

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

دکتر یزدی :

« امنیت خلیج فارس را ابرقدرت‌های آمریکا و شوروی به خطر میاندازند »

را دخالت ابرقدرت‌های شوروی و آمریکا در این منطقه بخطر میاندازند. در صورتی که کشورهای منطقه این اصل را بپذیرند و برای مقابله با آن دور هم جمع شوند، ما نیز می‌توانیم با آنها به مذاکره و تبادل نظر بپردازیم.

بقیه در صفحه ۶

آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی کنفرانس مطبوعاتی در روز مارشبه ۱۸ مهر ماه ضمن تشریح

نتایج سفر خود به نیویورک و شرکت در سی و چهارمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر تاکید نمود که "امنیت خلیج فارس

راه حل مسئله کردستان چیست؟

بحران در کردستان همچنان ادامه دارد. در حالیکه بار مشکلات، ستم و استعمار بر دوش زحمتکش خلق کرد، چه در شهروچه در روستا، هنوز بهمان شدت سنگینی میکند، دار و دسته وابسته قاسملو و متحدین فرصت

از خلق کرد در مقابل دولت ملی ورهبران انقلاب قرار گرفت تا صفت‌بندی نادرست کنونی، یعنی "خلق کرد در مقابل دولت" شکسته نشود، نمیتوان امیدویی به حل صحیح مسائل کردستان داشت.

مصاحبه با آقای بنی صدر حاکمیت عقیده از طریق کار میان توده مردم نه قانون

مباحثات مجلس خبرگان درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی و حوادث کردستان مسائل مهم روز کشور را تشکیل می دهند. از این رو بر آن شدیم که طی مصاحبه‌ای با آقای بنی صدر از نظرات ایشان در این موارد آگاه شویم.

آنچه در زیر می‌خوانید متن مصاحبه خبرنگار "رنجبر" با ایشان است که در آغاز این هفته در محل برگزاری جلسات مجلس خبرگان انجام گرفت.

س- اصولی که تا کنون در مجلس خبرگان به تصویب رسیده است در پاره‌ای از مسائل با پیش نویس قانون اساسی تفاوت داشته و مخصوصاً در زمینه تفکیک قوا و رابطه بین حاکمیت ملی با قوه رهبری تفاوت زیادی به چشم می‌خورد. به نظر شما این تغییرات ناشی از چیست؟ و آیا به نفع آینده انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و اسلام مبارز هستند؟

بقیه در صفحه ۲

* قانون اساسی باید بتواند

با واقعیت‌های کشور، در حال

و آینده سازگاری کند

* در این قانون اساسی که دارد

در مجلس نوشته میشود تمایلی است

که کم و بیش از بالا کنترل بشود.

یکنوع سوء ظن نسبت به مردم و

انتخاب در آنها وجود دارد.

* اشتباهات دولت در کردستان :

- به مسائل اساسی نپرداخت

- به مردم تکیه نکرد

* تا وقتی که ما با اعتماد به خود مردم

به حل مسائل آنها بطور مستقیم

نپردازیم، مشکل کردستان

حل نخواهد شد.

دار و دسته کیانوری دشمن ملی گرائی مترقی

هفته گذشته کیانوری رئیس دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده یک مصاحبه مطبوعاتی انجام داد و طی آن به همه‌ی زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران هجوم برد و با معیار منافع حامیان روسی خود به ارزیابی از اقدامات مختلف دولت پرداخت.

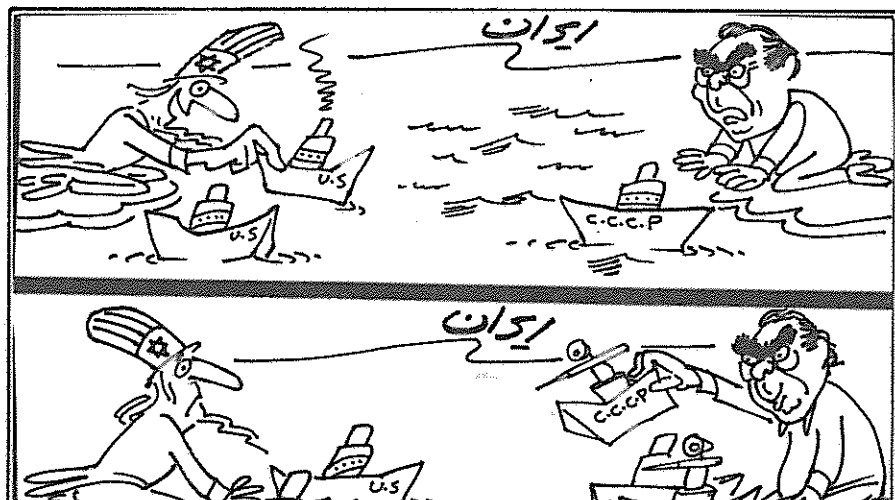
در این مصاحبه کیانوری به لباس " طرفداران سوسیالیسم علمی " درآمده و خواستار ایجاد " جبهه متحدی " متشکل از خود و کسانی شده است که او از آنها تحت نام " انقلابیهای زیر پرچم اسلام " نام



انحصار طلبی در آموزش نظامی

حاکمیت ملی جامعه در مقابل توطئه امپریالیستها تشکیل شده‌اند، چه دلیلی وجود دارد که ایرانیان دیگر هم از آن استفاده نکنند؟ آیا دیگر ایرانیان میهن دوست حق دفاع از میهن خود را در مقابل تجاوزگران ندارند؟ در غیر این صورت آیا این عده خودشان را برای یک جنگ داخلی آماده می‌کنند؟ بر علیه کدام نیرو؟ اگر بر علیه ضد انقلاب است، آیا دیگر نیروهای انقلابی حق شرکت در سرکوب ضد انقلاب را ندارند. ایجاد اینگونه تشکلهای شبه نظامی

بقیه در صفحه ۴



دوش زحمتکش خلق کرد، چه در شهر و چه در روستا، هنوز بهمان شدت سنگینی میکند، دار و دسته وابسته قاسملو و متحدین فرصت طلبش همچنان سوار بر احساسات ملی و قومی خلق کرد، به توطئه گری و بازی قدرت با دولت مشغولند تا امتیازاتی بگیرند. دولت و حاکمین هم که در گذشته فرصتهای خوبی را برای وحدت با خلق کرده و انجام برنامههای انقلابی از دست دادند، اکنون با حادث شدن اوضاع، بیشتر نشان میدهند که از نظر سیاسی قادر نیستند به سالها کردستان درست برخورد کنند.

چرا مساله کردستان پیچیده شده است؟
 بنظر ما از یکطرف بعلت اشتباهات دولت و حاکمین و از طرف دیگر بعلت توطئههای دو ابر قدرت امپریالیستی در بهره برداری از احساسات ملی از طریق عمال منطقه ای و داخلی شان مانند دارودسته قاسملو، پالیزیبان و چپ نماها، یک صف بندی متشوش در کردستان بوجود آمده است که تحت تاثیر آن بخشی

تأصف بندی با در سبب موسمی، سیاسی را کرد در مقابل دولت شکسته نشود، نمیتوان امیدوی به حل صحیح مسائل کردستان داشت. خلق کرد نیز اگر همچنان مسائل خود را تنها از دید محلی و قومی ببیند، در آستانه خطر گرفتار شدن به یک "ملا مصطفی" نوع روسی است، که عاقبتش، حداقل برای خلق کرد، نیازی به توضیح ندارد.
 درباره راه حلها
 قبل از اینکه خطوط کلی نظرات خود را مطرح کنیم، بطور مختصر به بعضی راه حلها و سیاستهای نیروهای درگیر اشاره میکنیم. رهبری حزب دمکرات و متحدانش
 راه حل اینها اینست که با اتکاء به احساسات ملی و بخصوص امروز با سوء استفاده از احساسات جریحه دار شده خلق کرد، قدرت نظامی و سیاسی خود را در منطقه مستقر کنند. در این راه دار و دسته رهبری حزب دمکرات حاضر است از هر نیروی که به آنها کند، کمک بگیرد. فتوادلها، یعنی های عراق، بقیه در صفحه ۲



بمناسبت چهلمین روز درگذشت مجاهد کبیر
 آیت الله طالقانی

خود و کسانی شده است که او از آنها تحت نام "انقلابیهای زیر پرچم اسلام" نام می برد.

او گفت:
 ما به جبهه متحد خلق در ایران اعتقاد داریم. ممکن است این روند مرحله های بحرانی را هم بگذرانند، ولی این جبهه در ایران تشکیل خواهد شد. و این جبهه از طرفداران سوسیالیسم علمی و انقلابیهای زیر پرچم اسلام تشکیل خواهد شد. (مردم شماره ۶۳، پنجشنبه ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۸).

نفی نیروهای میهن پرست و استقلال طلب

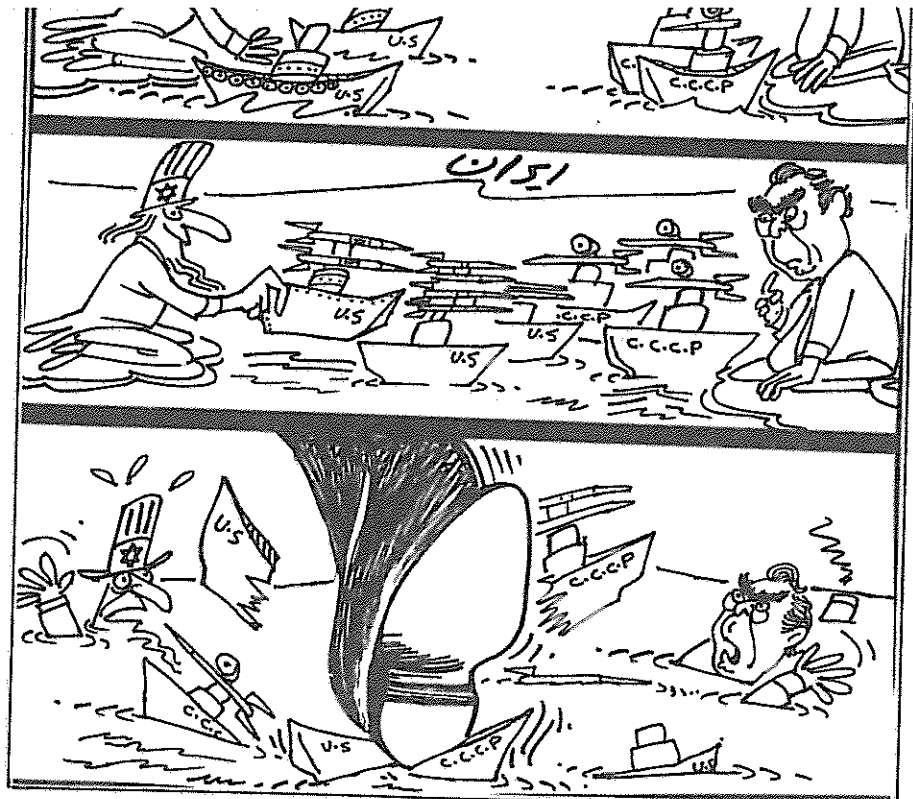
چنانکه می بینیم کیانوری تماماً نیروهای ملی گرای مرفقی را از "جبهه" پیشنهادی خود حذف کرده است. چرا؟ برای اینکه ملی گرای مرفقی یک جریان مستقل ضد امپریالیستی است که در مقابل سلطه خارجی می ایستد و بنابراین خصلت حاضر نیست به انقیاد ملی که از طرف دار و دسته کیانوری تبلیغ می شود تن در دهد و درست به همین علت مورد بغض و کینه این مدافع و مبلغ امپریالیسم روسیه قرار گرفته و از باصطلاح "جبهه" پیشنهادی او حذف می گردد.

تجربیات یک قرن و نیم مبارزه ضد استعماری، ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما این حقیقت انکار ناپذیر را ثابت می کند.
 بقیه در صفحه ۶

**هوشیاری انقلابی
 یک کارگر**

ساعت ۴ بامداد روز چهارم مهر ماه رئیس ایستگاه راه آهن خاور ۳۰ کیلومتری اهواز بنام آقای محمد فاضلی به کنترل وقت عبدالعزیز صابری که فرماندهی قطارها و ایستگاههای ناحیه جنوب را عهده دار بود اطلاع داد که صدای انفجار شنیده شد. در همین هنگام قطار باری که از اندیمش حرکت نموده بود در ایستگاه بامدر، ایستگاه مجاور ایستگاه خاور بود. قطار باری طبق دستور کنترل وقت متوقف و در زمین که وسیله سبک در راه آهن می باشد جهت تحقیق و رسیدگی از قطار باری سبقت داده شد که چنانچه خط آسیب دیده باشد، مراتب را به کنترل وقت گزارش دهد.

بقیه در صفحه ۵



**«میهن سوسیالیستی»
 رهبری چریکها کجاست؟**

مبارزه سیاسی و طبقاتی صحتهای است که نیروهای مختلف سیاسی مجبورند دیر یا زود ماهیت واقعی خود را در برابر نوده های مردم بنمایش بگذارند و این منطق تاریخ بار دیگر در مورد رهبری غاصب چریکهای فدائی تکرار میشود.

اکنون دو شماره است که تشریح "کار" (ارگان این رهبری غاصب) به تشریح و توضیح افکار و اعمال خود در چند ماهه اخیر در رابطه با مسئله کردستان پرداخته است.
 این سلسله مقالاتی است بر علیه "کنفرانس وحدت" که چندی قبل طی اعلامیه های بدروستی دار و دسته قاسملو را وابسته به امپریالیسم روس خوانده و آنرا افشا کرده بود.

رهبری غاصب چریکهای فدائی، برای

توجیه وحدت نامقدس خود با ضد انقلاب وابسته در کردستان مجبور شده است که در این سلسله مقالات ریشه های افکارش را برای مردم به نمایش بگذارد و خواهیم دید که در نتیجه این کار چه کند و کتافاتی، از انقیاد ملی گرفته تا فرصت طلبی، به نمایش گذارده میشود.

پاسخ رهبری غاصب دو رکن اساسی دارد: ۱- توجیه تشویریک انقیاد طلبی و دفاع از امپریالیسم روسیه با رنگ و لعابی "مارکسیستی". ۲- قلب ماهیت واقعی رهبری حزب دموکرات و آرایش چهره آنان. که هر دوی اینها در خدمت توجیه وحدت رهبری غاصب با دارودسته قاسملو و امپریالیسم روسیه علیه انقلاب ایران است.

رهبری غاصب برای آنکه همسنگر بودن

بقیه در صفحه ۶

راه حل مسئله...

صهیونیستها و بالاخره از ابرقدرت شوروی . کمیته مرکزی حزب توده

در مقابل دار و دسته قاسملو که جناح نظامی روسهاست ، دارو دسته کیانوری جناح سیاسی آنهاست . بنابراین کیانوری " راه حل سیاسی " بر مبنای همان اهداف راه میدهد . دار و دسته کیانوری " مذاکره سیاسی طرفین " را مطرح می کند و خلاصه نظراتش اینست که دولت قدرت موجود نظامی حزب دمکرات را برسمیت بشناسد و حداقل بخشی از قدرت سیاسی در منطقه را بآنها واگذار کند .

راه حل کیانوری در واقع یک حقه سیاسی برای تثبیت و تحمیل قدرت ضد انقلاب وابسته به روس در منطقه است . بخصوص امروز که ماجراجویی حزب دمکرات و متحدانش با شکست مواجه شده و قسمت اعظم نیروهای نظامی آنها بیهودگی این جنگ بی برده اند و این دارو دسترا رها کردند ، این باصطلاح راه حل سیاسی کمک می کند فعلا " باقیمانده نیروی خود را حفظ کنند تا بعد خود را برای فشارهای بیشتر آماده کنند . این تاکتیک " مذاکره برای نفس تازه کردن و تعرض بعدی " است .

دولت و حاکمین

تاکنون یک راه حل جامع ارائه نشده است . در واقع یک طیف وسیع در میان حاکمین وجود دارد . از کسانی که از سرکوب صرفا نظامی و بدون تمایز جانبداری می کنند تا کسانی که عملا " تمایل به راه حل دار و دسته کیانوری دارند .

البته در میان حاکمین و دولت بطور پراکنده نقطه نظرهای درست بسیاری مطرح شده اند که در سخنان امام ، بعضی از نمایندگان اعزامی امام به منطقه و تعدادی از مسئولین دولتی مشهود است . اما نقطه نظرات درست بطور جامع هنوز در تصمیمات دولت و حاکمین غالب نشده و تقریبا " هر کس بکار خودش مشغول است .

نظرات ما درباره چگونگی راه حل کردستان حل مساله کردستان جنبه های گوناگون نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی دارد و با هیچکدام از اینها بتهائی نمی توان مساله کردستان را بطور صحیح و کامل حل نمود . اما همه این جنبه ها دارای یک محور مشترک است و آن محور مشترک کلیدی بودن نقش توده ها خلق کرد ، خواسته های عادلانه آنها ، خط مشی سیاسی و احساسات ملی آنهاست .

با توجه به این محور اساسی ما جنبه های مختلف حل مساله کردستان را چنین می بینیم . جنبه نظامی و راه مسالمت آمیز سرکوب بدون تمایز باید بدون درنگ

بصورت یک اهرم فشار ابر قدرت روس در منطقه باقی می ماند و امپریالیستهای روسیه میتوانند با استفاده از آن قدم بقدم شرایط ننگینی را بر میهن ما و بضرر استقلال آن تحمیل کنند .

ما با آنکه همیشه اعلام نموده ایم که پشتیبان حق خودمختاری خلق کرد هستیم ولی قاطعانه با هر نوع خودمختاری که در زیر پرچم دارو دسته های وابسته به ابرقدرتها باشد مخالفیم .

جنبه سیاسی

از نظر مبارزه سیاسی ، توده های خلق کرد ، نیروها و افراد فعال سیاسی نقش تعیین کننده دارند . آنها باید در یک مبارزه سیاسی - که بخرنج و طولانی است درست و نادرست را تشخیص بدهند و خود را از سر رهبران کاذب و سیاستهای غلط و توطئه های آنها رها کنند و راه مستقل خود را در وحدت با خلقهای ایران و نیروهای ملی بیابند . نیروهای انقلابی و میهن پرست خلق کرد در تعیین سرنوشت این مبارزه سیاسی و افشاء و انفراد دار و دسته های وابسته نقش تعیین کننده را دارند از جانب دیگر دولت و حاکمین باید راه وحدت با خلق کرد را از طریق اعتماد و اتکا به آنها و خدمت به رفع خواسته های آنها در پیش گیرند . وسیع ترین دمکراسی باید برای خلق کرد تامین شود دولت و حاکمین باید با طرد انحصار طلبی ، سیاست متحد شدن با توده ها و متحد شدن با نیروهای سیاسی استقلال خواه را در پیش گیرند و به این ترتیب با ایجاد اتحاد بزرگ ملی (نه اتحاد با بخشی از خلق کرد علیه بخش دیگر) در منطقه کردستان زمینه را برای منفرد کردن ضد انقلاب سرسپرده و چپ نماها فراهم کنند .

جنبه اقتصادی

در زمینه برنامه های اقتصادی و عمرانی صحبت های زیادی از طرف مقامات مسئول شده است که بشرط بعمل در آمدن میتواند بسیار مثبت باشد .

کمبود عمده دولت و حاکمین در این زمینه همان اتکا نکردن به توده های خلق کرد در مسائل عمرانی است . اتکا به جهاد سازندگی بمعنی فرستادن تعدادی از جوانان از نقاط دیگر ایران به کردستان نه کافی است و نه درست . در درجه اول باید توده های ساکن در کردستان را بسیج کرد و کارها را بدست آنها سپرد . نیروهای جهاد سازندگی اعزامی از نقاط دیگر باید جنبه کمکی داشته باشند . دولت و حاکمین باید در درجه اول باتکیه به دهقانان و مبارزه علیه فئودالها در جهت ملاک کردن تنه زمین در کردستان حرکت کنند .

جنبه فرهنگی و مذهبی

خلق کرد دارای میهن پرستان و سنتهای فرهنگی ارزشمند و

مصاحبه با آقای بنی صدر

ج - اصولی که تا کنون به تصویب رسیده چیزی که مغایر حاکمیت ملی باشد ، تصویب نشده . در ماده های بعدی ممکن است باشد ولی تا حالا نشده است . البته این اصول با پیش نویس فرق دارد . بعضی ها را هم باید در اصولی که بعد از این به تصویب می رسد دید که مترقی تر از پیش نویس است یا دست و پا گیرتر و عقب تر .

آنچه که تا اینجا عمدتا بر رویش تاکید بیشتری شده و فرق دارد مسئله " ولایت فقیه " است . آنچه را که ما می خواهیم این است که این ولایت فقیه دو نظر را تامین کند : یکی ثبات رژیم و دیگری عدم انحراف است . بدون اینکه اسباب تمرکز قدرت در دست فقیه باشد . برای اینکه هر گونه تمرکز از نظر من مطلوب نیست . من با هر گونه تمرکز مخالفم .

اما قانون اساسی یا هر قانونی باید قابلیت اجرا داشته باشد . یعنی با واقعیت های کشور در حال و در آینده بتواند سازگاری کند . و اگر یک قانون اساسی را آدم بنویسد و این قابلیت اجرایی نداشته باشد و در عمل به صورت دیگری در بیاید مثل بسیاری از قوانین اساسی کشورهای دنیا هم همین جور است که نوشته می شوند ولی در عمل چیز دیگری است که به اجرا در می آید . بسیاری از اصولش بلا اجرا می ماند حالا چقدر از این قانون اساسی به اجرا در خواهد آمد اینرا واقعیت اجتماعی تعیین خواهد کرد . این قانون اساسی چقدر دوام خواهد آورد آن هم باز واقعیت اجتماعی همین می کند .

نظر عمومی من این است که در مورد عقیده و حاکمیت عقیده بر ارگانهای کشور باید که ما از طریق کار در میان توده مردم تامین بنمائیم . نه از طریق قوانین ، یعنی آزمایشی که بشر تا کنون انجام داده است از طریق تثبیت قدرت سیاسی و سوار کردن

عقیده بر قدرت سیاسی نتوانسته است عقیده را در جامعه اساسی روایت کند و اگر برعکس انجام بدهد به جای اینکه از بالا و از طریق قوه مجریه و در دست گرفتن قوای مملکتی این کار را انجام بدهد همان جور که شیوه حکومت های دیکتاتوری (حتی آن طوری که شیوه استالینیزم است) موفق نیست چونکه بالاخره زور و قدرت در کار می آید ، زور و قدرت سانسور ایجاد می کند . سانسور جدائی و اختلاف بوجود می آورد و بر خورد . حال آنکه کار از یائین یعنی به جای اینکه ماسعی کنیم اسلام را رسمی کنیم بهتر این است که

حتی در میان مدت و نه دراز مدت این حکومت را از دست خواهد داد .

حکومت باید از طریق کار در خود مردم به جای اینکه ما مثلا در قانون اساسی قید کنیم رئیس جمهور ، نخست وزیر و وزیر و وکیل دارای این چنین مشخصاتی باشد آن وقت معلوم می شود که هر کس اینها را ندارد دیگر نمی تواند این شغلها را دارا باشد . این می شود کنترل از بالا . نتیجتا

هر کس بخواهد در این جامعه عمل بکند عملش خود بخود می شود غیر مشروع . و وقتی که شد غیر مشروع علی الدوام باید که شرع از حکومت پشتیبانی بکند . حالا هر کاری هم که کرد . خوب کرد .

من که از ابتدا گفته بودم دین را نباید رسمی کرد به این دلیل بود . یعنی اگر این حکومت مثلا بد و نا درست عمل کرد آنوقت این همه اش اسلام است که صدمه می بیند و آخراش هم اگر این مردم عاصی شدند در واقع از اسلام عاصی می شوند .

دید دیگر این است که از یائین عمل بکند . از خود مردم و در خود مردم عمل بکند . آن وقت ولایت فقیه آن وکلای که خودش قبول دارد و فرض می کند که آنها دارای مشخصات اسلامی هستند آنها را پیشنهاد کرده و به مردم تبلیغ بکند . آن هم تبلیغ آزاد و نه زورکی . کسانی که لایق رئیس جمهور می داند پیشنهاد بکند مثل جوامع آزاد دنیا . در این صورت این اسلام نیست که صدمه می بیند بلکه این مسئولین هستند که صدمه می بینند زیرا آنها یا توانا هستند و مردم انتخابشان کرده اند و یا ناتوان هستند آن وقت عوض می کنند .

پس این دو نوع دید و نکته نظر است که با همدیگر بر خورد می کند . به نظر من در اوضاع کنونی ایران بسیار مناسب است که روحانیت ما از طریق دوم عمل بکند . آن وقت است که می تواند به طور دائم جامعه را در حال حرکت نگهداشته و مانع از تپا شدن حکومت بشود و گرنه اگر عکس این روش را انتخاب کرد با این نوع دردسرها مواجه خواهد شد .

این قانون اساسی که دارد در مجلس خبرگان نوشته می شود تقریبا یک تمایل به طرف راه حل اول موجود است که از بالا کنترل بشود . یعنی یک نوع سوء ظن نسبت به مردم و انتخاب آنها وجود دارد . به نظر من اگر این راه حل پذیرفته شده و به صورت قانون اساسی در بیاید یک فاجعه بزرگی گریبان گیر ایران می شود . چرا ؟ برای اینکه با قبول راه حل اول ما اسلام را رسمی کردیم . روحانیت هم پشت سر حکومت قرار میدهم و دیگر اینکه هیچ کدام از عناصر تشکیل

نخستین بار در مذهب شیعه اصل انتخاباتی را بکار ببرند . طبق ماده ۸۱ که در چند روز گذشته به تصویب رسیده است ، بنابراین حاکمیت ملت از آنجا اعمال میشود . دیگر اینکه رئیس جمهوری انتخاباتی است . وکلای مجلس انتخاباتی است .

منتها انتخاباتی بودن تنها کافی نیست . چون در سیستم های فاشیستی هم انتخاب وجود دارد اما می گوید که فقط آزادی به من رای بدهی . این که بهش انتخابات نمی گویند . در اینجا انتخاب نمی شود که از سیر تا پیاز مورد خالت بکند . مثل کسی که دگمه یک دستگاه را می زند تا آن دستگاه براه بیافتد . اگر ما فرض بکنیم رئیس جمهور و یا یک دولتی از خط استقلال بیرون رفت آن یکی ضامنی است برای اینکه مانع از این انحراف بشود . البته نظریات مختلف وجود دارد ولی به نظر من آنچه را که در حال تصویب شدن است بیشتر از این حد نیست . یعنی مخالف با مردم سالاری نیست .

س - با توجه بر اینکه میلیونها توده مردم از انقلاب و رهبری آن قاطعانه پشتیبانی می کنند وحشت این عده ای که در مجلس حملات بی ربط کرده اند و در صدد هستند تمام قدرت را در دست رهبری متمرکز بکنند از چیست . با اینکه از طرف مردم انتخاب شده اند این همه انحصار طلبی آنها ناشی از چیست ؟

ج - آنها که نمی گویند ما انحصار طلب هستیم . آنها می گویند که در اسلام ولایت با فقیه است . همان طوری که در مارکسیسم ، رهبری از آن ایدئولوگها و به قول لنین روشنفکران مارکسیست می باشد . در اینجا هم ولایت با فقیه است و همین ایدئولوژی و کسانی که به ایدئولوژی علم داشته و صلاحیت رهبری را دارند باید آنها به رهبری برسند . بنابراین این یک مسئله خاص اسلام نیست و در همه جا و از ضرورت های حکومت های ایدئولوژیکی است .

اما با این حال ، بله یک واهمهای هم دارند و آن هم این است که اگر انتخابات قلابی بشود چه ؟ اگر انتخابات قلابی شد تکلیف چه خواهد شد ؟ آن وقت ما می مانیم و وضع سابق و غیره . اصلا فرض این است که فقیه عادل است متقی است و زور به مردم نمی گوید و وقتی که این ضمانت وجود دارد حکومت عادلانه خواهد بود . حرف آنها این است . حرف ما هم این است که بسیار خوب شما این فقیه عادل را داوطلب بکنید که بیاید انتخاب بشود و برای رئیس جمهوری وزارت و نخست وزیری و غیره داوطلبش بکنید . در واقع اگر بیم از این است چرا این را می خواهید به صورت یک مقامات عینی در قانون اساسی در بیاورید .

مختلف حل مسأله کردستان را چنین میبینیم .
جنبه نظامی و راه مسالمت آمیز
 سرکوب بدون تمایز باید بدون درنگ متوقف شود مسئولین تجاوزات به حقوق خلق باید معرفی و مجازات شوند و مسئولین باید خیلی روشن بین ضد انقلاب، منحرفین ، چپ‌روها و توده‌های خلق تمایز بگذارند . باید در عمل نشان داد که جنگ با دار و دسته‌های وابسته از رابطه صلح آمیز با خلق کرد کاملاً جداست .
 در مورد راه حل مسالمت آمیز مهم اینست که دولت تعیین کند صلح با کی و با چه شرایطی ؟
 صلح با دار و دسته قاسملو و پذیرفتن شرایط آنها بهیچوجه بنفع خلق کردوسایر خلقهای ایران نیست و هرگونه تن دادن به آن ، سازش در مقابل ضدانقلاب است . صلح با قاسملو بنفع امپریالیستهای روسیه و در جهت ادامه اخلاک‌ریبهای آنان در آینده است . چون این دار و دسته با تثبیت قدرت نظامی خود و کسب وجهه سیاسی ، همیشه

خلق کرددارای میسر است
 وسنتهای فرهنگی ارزشمنند و گرانبهائی است که به آن عشق میورزد و مصمم است که آنها را بسا آزادی کامل رشد دهد و شکوفه سازد . از نظر مذهبی اکثریت خلق کرد از برادران اهل تسنن هستند . در قوانین و در مقررات و بطور کلی در هیچ سطحی نباید سیاست انحصارطلبانه اعمال شود . مدارس ، مجامع ، دادگاهها و غیره باید به زبان کردی و بر اساس سنتها و معتقدات خلق کرد باشد و مورد احترام قرار گیرد .
 اینها خطوط عام نظرات ما در مورد حل مسأله کردستان هستند که مسئله مرکزی در آنها ، بسیج توده‌های خلق ، تکیه به توده‌های خلق کرد برای حل مسئله کردستان است . تنها در این صورت است که خلق متحد شده و دشمن منفرد میگردد و کردستان به صورت پایگاه مستحکم آدمی انقلاب در می‌آید .

کارگران و استثمار

پائین نگه میدارد . زیرا می‌داند که کارگران بیکار حاضرند با مزد کمی کار کنند . کارگران مشغول بکار هم نمی‌توانند کاری بکنند جز اینکه هر چه او می‌گوید قبول کنند . بنابراین کار فرما از وجود کارگران بیکار جهت فشار آوردن به کارگرانی که مشغول بکار هستند سوء استفاده می‌کند .

ولی آیا با همه حیل‌گری کار فرما راه مبارزه با او وجود ندارد ؟ چرا - وجود دارد . راههای زیادی وجود دارد کارگران تهران ثابت کرده‌اند که راههای زیادی برای مبارزه با کار فرما ها وجود دارد . آنها سالفها با کار فرماها مبارزه کرده‌اند و بسیاری از این راهها را می‌دانند .

آن چیزی که تقریباً همه کارگران به آن آگاهی پیدا کرده‌اند این است که مبارزه فردی بی نتیجه است . به قول معروف یک دست صدا ندارد . اگر در کارخانه یک نفر کارگر بخواهد با کار فرما مبارزه کند ، بلا فاصله شکست می‌خورد . کار فرما فوراً او را از کار اخراج کرده و یک نفر دیگر را به جای او به سرکار می‌آورد . ولی اگر تمام کارگران با برنامه و حساب و کتاب با کار فرما به مبارزه برخیزند کار فرما هیچ راهی جز تسلیم شدن به آنها ندارد . زیرا او نمی‌تواند به یکباره تمام کارگران را اخراج کند و ناچار است تسلیم شود .

در اینجا یک موضوع مهم را باید تذکر دهیم : اگر یادمان باشد موقتی که جامعه‌های برده داری و فئودالی را توضیح می‌دادیم گفتیم که برده‌ها و دهقانان به علت متفرق بودن نتوانستند قدرت را از دست اربابان و فئودالها بیرون بیاورند . ولی در جامعه سرمایه داری این طور نیست کار فرما بدست خودش تعداد زیادی کارگر را دور هم جمع می‌کند . او کارگران را جمع می‌کند چون مجبور است این کار را بکند . او به خاطر سود بردن این کار را می‌کند .

ولی وقتی که تعداد زیادی کارگر دور هم جمع می‌شوند که همه یک نوع درد و یک نوع بدبختی دارند و دشمن همه آنها یکی است ، آنها به فکر خواهند افتاد که عامل همه این بدبختیها را از سر راه خود بر دارند ، آیا آنها به فکر خواهند افتاد که دسته جمعی علیه دشمن خود مبارزه کنند ؟ چرا کارگران حتماً به این نتیجه خواهند رسید . کارگران بالاخره دست به دست هم داده و دنیای سرمایه داری را نیست و نابود خواهند کرد . و همان کارگرانی که کار فرما با دست خود آنها را دور هم جمع کرده است باعث نیستی خود کار فرما خواهند شد .
 ما در همین جا بحث جامعه سرمایه داری را به پایان می‌رسانیم و در شماره‌های آینده راجع به امپریالیسم که آخرین مرحله سرمایه داری است صحبت خواهیم کرد .

آنکه کار از پائین یعنی به جای اینکه ماسی کنیم اسلام را رسمی کنیم بهتر این است که این قوا را مسلمان بکنیم . نظر من این است و این احتیاج دارد که در درون مردم کنیم و خود مردم اسلام را با مصالح خودشان منطبق ببینند و بر طبق آن عمل کنند .

س - در ارتباط با پشتیبانی و شرکت توده‌ها و اظهار نظر آنها ، به نظر می‌رسد که شور و شوق گذشته کمتر شده و انتظار داشتند که مجلس خبرگان مرکز انعکاس نظر ها و خواسته‌هایشان باشد و اکنون با یک محیط در بسته‌ای روبرو هستند نظر شما در این زمینه چیست ؟

ج - پیش نویس قانون اساسی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت ولی مسافانه یک عده‌ای به یک حملات بی ربطی که نه سر داشت و نه ته به آن قانون آوردند و نتیجه آن یک عکس العمل شد و حالا شما در برابر این عکس العمل روبرو شده‌اید و کار ما این است که این عکس العمل را با آنچه که ما خودمان می‌فهمیم از همین ضرورت شرکت مردم بر ایجاد حکومت اسلامی تبدیل کنیم و اکنون از صبح تا شام کار ما همین است . در واقع دو تا دید وجود دارد .

یکی می‌گوید که فقه باید از بالا تمام ارگانهای حکومتی را تحت کنترل در بیاورد و این می‌شود اسلام . اما برای من مسلم است که این مساوی است با از دست دادن حکومت و اگر یک دوره کوتاهی هم بشود .

علت شکست

همه چیز را بحساب بی‌علاقگی و بی‌توجهی مردم بگذارند . اما آیا امروز هم میتوان این حرف را زد؟ نه ، ابتدا ، فکر نمی‌کنیم امروز کسی جرات داشته باشد مردم را مورد سرزنش قرار دهد . مگر همین مردم در فراندوم جمهوری اسلامی با آنهمه شور و شوق شرکت نکردند؟ حتی در انتخابات مجلس خبرگان . با تمام اشکالاتش ، مردم نشان دادند که به سرنوشت خود و میهن خود علاقمندند .

علت شکست این انتخابات را با یستی در انحصار طلبی از یکسو و کم بها دادن به شرکت مردم و سمبل کردن انتخابات از سوی دیگر جستجو کرد .

روحانیت هم پشت سر حکومت قرار میدهم و دیگر اینکه هیچ کدام از عناصر تشکیل دهنده حکومت هم قابل کنترل از جانب روحانیت نیست یعنی دینامیزم اسلام از بین می‌رود . اما تا کنون این طوری نشده فقط تمایزش موجود است مثل عزل و نصب کردن رئیس جمهور . بنابراین دیگر محلی برای انتخاب و این حرفها باقی نمی‌ماند و

یا تمایل بر کاستن از اختیارات دولت و دادن این اختیارات به رهبری فقه . حال اینکه اگر حکومت اسلامی است باید از بالا تا پائین اسلامی باشد . نه اینکه یک جایش اسلامی و بقیه‌اش غیر اسلامی .

بله این نکات وجود دارد . ولی ما کوشش می‌کنیم و امیدواریم که حد المقدور آن شیوه دوم پذیرفته بشود تا در جامعه ما آن جریان آزادی بحث ممکن باشد و هم اینکه اقتصاد ما مصون بماند .

س - مطرح کردید که تا کنون هیچ اصولی که مفایرت یا حاکمیت ملی داشته باشد به تصویب نرسیده است . با توجه به توضیحاتی که شما در مورد تفکیک قوا و قدرت رهبری داده‌اید ، چنانچه اگر راه حل دوم عملی نشود آیا حاکمیت ملی بخطر نمی‌افتد ؟

ج - رهبری در رأس این ۳ قوه فرار می‌گیرد ولی اولاً خودش انتخابی است و از طرف مردم انتخاب می‌شود . یعنی رهبری انتصابی نیست . در واقع می‌خواهند که برای

انحصار طلبیان از شرکت وسیع و واقعی توده‌های مردم در تعیین سرنوشت خویش هراس دارند چه در این صورت مردم وسیع خواهان وحدت تمام نیروها ، مکتبها و ایجا دیک . محیط دمکراتیک اند و این با منافع انحصار طلبیان در کنا رگذاشتن مردم و انحصار قدرت در دست خود ، منافات دارد .

مسئولین امور هم از ابتدا گوی ایجادشوراها را " رقیبی" برای دولت میدیدند و با برگزاری یا عجله‌ای انتخابات شکست شوراها و از بین بردن این " رقیب" را تضمین کردند .

انتخابات شوراها یکی ، برنامهای ملی کشور بود و میتوانست

د. توضیح بسید . در واقع ، بر بیم ، در این است چرا این را می‌خواهید به صورت یک مقامات معینی در قانون اساسی در بیاورید . برای اینکه این کار شما هر روز شما را در جلوی مسائل مختلف مملکتی قرار می‌دهد . بنابراین چون شما به نوع خاصی منتخب می‌شوید ضربه پذیری شما زیاد است . یعنی همانهایی که قبلاً عرض کردم .

س - به نظر شما آیا قوانینی که تا کنون به تصویب رسیده‌اند جلوی نفوذ امپریالیستها را قادر هستند بگیرند ؟ به نظر شما جواب داده است ؟

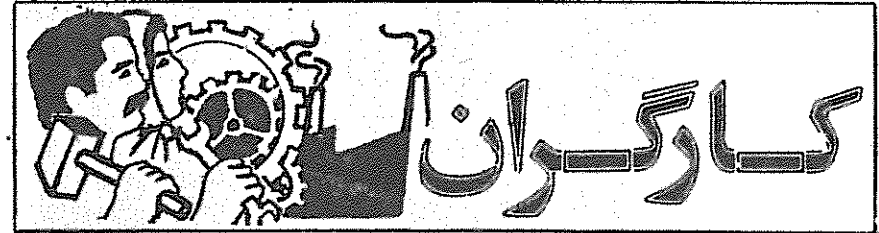
ج - بله . تا کنون در اصل ۶ - ۵ کلیات آمده است و تاکید قطعی برای استقلال از سلطه خارجی گذاشته شده . در بخش سیاست خارجی و در فصل اقتصاد هم خواهد آمد . و اصلاً دلیلی که فقه و ولایت را می‌خواهند به دست بگیرند عمدتاً برای حفظ همین استقلال است می‌گویند که ما اطمینان نداریم . و به دستگاههایی بگوئیم که شما بروید و این مملکت را اداره کنید و آنها هم خودشان را به دم خارجی ببندند و دوباره تو سر این ملت بزنند . این جنبه از بیم آنها به نظر من مشروع است برای اینکه در واقع این خطر همیشه وجود دارد برای اینکه عناصر تشکیل دهنده حکومت در دست ما نیست .

دنباله مصاحبه در مورد توطئه دوایر قدرت و مسئله کردستان در شماره آینده

گام مهمی در تقویت پایه‌های سیاسی انقلاب در سراسر ایران باشد .

هم اکنون این برنامهای ملی بعلل فوق الذکر با شکست روبرو شده است . ما معتقدیم باید از درسهای منفی این شکست آموخت و گرایشهای انحصار طلبانه و فرقه گراشی را طرد کرد و خط مشی اتحاد بزرگ ملی ، اتحاد همه نیروهای ملی گرای مترقی ، اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی خط مشی دامن زدن به شرکت توده‌ها در تمام سطوح را در پیش گرفت و جمع بندی از این تجربه را به جنبشی برای تداوم انتخابات واقعی شوراها در سراسر کشور تبدیل کرد .

مخبر



کارگران

شوراهای کارکنان و مسئولیت طبقه کارگر

طرح تشکیل شوراهای کارکنان در کارخانهها و موسسات دولتی و خصوصی چندی پیش از طرف دولت و شورای انقلاب به تصویب رسید. سرانجام پس از مدت‌ها بحث و اختلاف نظر در سطح هیئت حاکمه، دولت موقت جمهوری اسلامی تصمیم گرفت که طرح شوراها را در کارخانه‌های کشور به اجرا در آورد.

بدون شک این اقدام با توجه به خواست شدید مبارزاتی مردم ما در شرکت هر چه مستقیم‌تر در امور خود با استقبال فراوان کارگران و کارمندان شریف کشورمان روبرو خواهد شد و در آینده نزدیکی ما شاهد آن خواهیم بود که در سطح وسیعی در مراکز تولیدی کشور و بخصوص در کارخانه‌های ملی شده، شوراهای مختلفی از کارگران و کارمندان تشکیل شوند.

تشکیل شورا در کارخانه‌ها همزمان با انقلاب ایران و پس از آن آغاز گشت و کارکنان بسیاری از کارخانه‌ها تنها با ابتکار خود و بدون اینکه قانونی در این مورد به تصویب رسیده باشد دست به ایجاد شورا زدند. بدین ترتیب تصمیم اخیر دولت و قانونی شدن شوراهای ملی‌تواند نقش محرکی در تشکیل هرچه سریعتر شوراهای مشترک در کارخانه‌های سراسر کشور بازی کند.

با توجه به مسائل فوق و از آنجا که این شوراهای همانطور که از نامشان پیداست کلیه کارکنان کارخانه‌ها اعم از کارگر و غیر کارگر (یعنی کارمند و سرپرست) را با منافع طبقاتی متفاوت در بر میگیرند، مسئولیت طبقه کارگر در تعیین وظایف شوراها و خط مشی حاکم بر آنها و همچنین نقش کارگران در چگونگی پیشبرد کار شوراها از اهمیت خاصی برخوردار میگردد.

در این میان بویژه وظیفه کارگران پیشرو و آگاه و هواداران راستین طبقه کارگر از هر نیروی دیگر حساستر است. آنها در جریان انقلاب و پس از آن برای متحد و متشکل کردن صفوف طبقه کارگر ایران پیگیرانه مبارزه کرده‌اند و میکنند و این امر مهم را به مثابه یکی از وظایف اساسی و تخطی ناپذیر خود

و ایجاد کندی و تعطیل در امور موسسه " قائل نشده است. بنابراین آنچه که از طرح شورا مورد نظر دولت بوده است صرفاً ایجاد " تفاهم " (به نقل از طرح قانون) بین کارگران، کارمندان و کار فرما می‌باشد. در صورتی که چنین درک بغایت محدودی از وظایف و نقش شوراها نه مورد نظر و خواست اکثریت کارکنان کشور ما می‌باشد و نه می‌تواند با انگیزه اصلی تشکیل شورا در کارخانه یعنی ایجاد وسیله‌ای برای شرکت هر چه بیشتر کارکنان در اداره امور کارخانه و ابزاری برای تأمین منافع و حقوق کارکنان در برابر استثمار، تطابق داشته باشد.

شوراها تنها در صورتی می‌توانند مورد حمایت اکثریت کارکنان قرار بگیرند و نقش مثبتی ایفا نمایند که از منافع مشترک کارکنان در زمینه اقتصادی، صنفی، اجتماعی و سیاسی و بخصوص از منافع اکثریت مطلق کارکنان کارخانه‌ها یعنی کارگران که ستمدیده‌ترین بخش‌های جامعه ما را تشکیل می‌دهند، دفاع نمایند. شوراها باید با استثمار مبارزه کنند و توده‌ها را برای شرکت در امور مربوط به خودشان بسیج آگاه سازند.

اینها برخی نکات اساسی در مورد وظایف و نقش شوراها می‌باشند که در طرح قانون دولت سخنی از آنها به میان نیامده است. اگر شوراها طبق مفاد تصریح شده در قانون صرفاً باید نقش ارگان‌های حل اختلاف بین کارگر و کار فرما را بازی کنند و از حقوق ابتدائی زحمتکشانی یعنی از حق اعتصاب برای دفاع از خواستها و مطالبات به حق کارکنان بر خوردار نباشند آیا در چنین صورتی سرنوشت شوراها در کارخانه‌ها

به همان سرنوشت سندیکا‌های دوران طاغوت دچار نخواهد شد؟ به نظر ما شوراهای کارکنان در صورتی می‌توانند به طور مثبتی در خدمت انقلاب قرار بگیرند که به نیروی کارگران متکی باشند و نمایندگان کارگران که اکثریت عظیم کارکنان کارخانه‌ها را تشکیل می‌دهند در هیئت رهبری شوراها حائز اکثریت رای باشند.

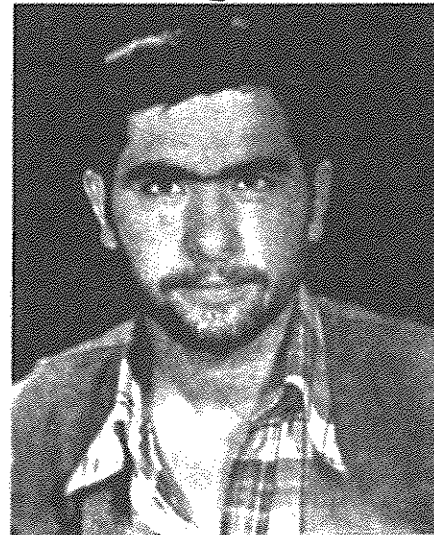
زمین و وام مسکن به کارکنان شرکت اتوبوسرانی

در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طرحی در حال اجرا می‌باشد، که بهر یک از کارگران و کارکنان شرکت تقریباً ۱۶۰ متر مربع زمین و مبلغ یکصد هزار تومان وام جهت احداث مسکن داده شود. در مرحله بعد از تقسیم زمین مبلغ ۸۵۰۰ تومان هم جهت خرید آب و برق و تلفن وام داده خواهد شد.

محل این زمینها در جاده کرج نزدیک استودیو است. باز پرداخت این وام ۱۵ ساله و از قرار ماهیانه ۱۲۰۰ ریال می‌باشد.

رنجبر - برای ایجاد نظم انقلابی در جامعه و بالا بردن شور و شوق خدمت به انقلاب، باید از زندگی زحمتکشان مواظبت کرد، و تأمین رفاه و آسایش خانواده‌های آنها را باید همیشه در مد نظر داشت تا زحمتکشان بتوانند با آسایش خاطر به امر انقلاب و تداوم آن خدمت کنند. امید است، طرح‌های رفاهی دولت در سراسر ایران اجرا شود.

هرگز یک کارگر شریف



بار دیگر سهر ما، بوسهر یکی از لاسکر عظیم کار، یک انسان شریف، صادق و مبارز خود را در حین انجام وظیفه از دست داد.

کارگران و استثمار (۸)

اگر قرار باشد که کودکان از کار کردن در کارخانه‌ها منع شوند و در عوض دولت برای آنها وسائل تحصیل را فراهم کند، مسلماً کار فرما مجبور است به جای کودکان از کارگران بزرگ سال استفاده کند ولی وقتی که کودکان آماده کار هستند، و کار فرما می‌تواند با مزد بسیار کمی آنها را به کار مشغول کند چه اجباری دارد که دنبال کارگران بزرگ سال بگردد و مجبور باشد حقوق بیشتری بدهد.

راه دیگر کم کردن تعداد کارگران، پیشرفت ماشین آلات است. هر چه قدر ماشین‌های بهتر و مدرن‌تری ساخته شود، احتیاج کمتری به کارگر پیدا می‌شود. و تعداد کمتری کارگر مشغول بکار می‌شوند.

همه این عوامل باعث می‌شود که کارگران زیادی بیکار بمانند. به علاوه کشاورزان بی زمین در واقع جزو کارگران بیکار هستند که هر وقت احتیاج باشد سرمایه دارها با مزد کمی آنها را به کار می‌گیرند. همین عوامل باعث می‌شود که در یک جامعه همیشه تعداد زیادی کارگر پشت در کارخانه‌ها منتظر کار باشند و چشم براه که کی کار گیرشان می‌آید.

وجود این بیکاران برای سرمایه دار فایده دیگری هم دارد. سرمایه دار روستاها صفت هم از این موضوع حداکثر استفاده را می‌کند. او همیشه کارگران مشغول به کار را تهدید به اخراج می‌کند، زیرا خیالش راحت است که پشت در کارخانه کارگر بیکار زیاد است و می‌تواند بلا فاصله یک نفر دیگر استخدام کند. سرمایه دار از بیکاری کارگران استفاده کرده و مزد کارگران مشغول به کار را بقیه در صفحه ۲

گفتیم که در این شماره راه‌های دیگر استثمار کارگران را توضیح می‌دهیم. در این شماره می‌خواهیم ببینیم چرا بیکاری وجود دارد و بیکاری چه نفعی برای سرمایه دارها دارد.

سرمایه دارها همیشه سعی می‌کنند کارهای خود را با حداقل تعداد کارگران انجام بدهند. هر چه قدر کمتر کارگر استخدام کنند، مزد کمتری می‌پردازند. آنها سعی می‌کنند تا آنجا که می‌توانند از همان تعداد کارگری که دارند کار بیشتری بکشند و در نتیجه کارگری استخدام نکنند و این باعث می‌شود که تعداد کمتری کارگر به کار مشغول شود و در نتیجه عدای کارگر بیکار می‌مانند. آنها با طولانی کردن ساعت کار کارگران هم سعی می‌کنند کارگر کمتری استخدام کنند.

سرمایه دارها سعی می‌کنند زنان و کودکان را به استخدام در آورند. آنها به بهانه اینکه قدرت جسمانی زنان و کودکان کمتر از مردان است حقوق کمتری و در بعضی موارد نصف حقوق مردان را به زنان و کودکان می‌دهند. در حالی که با وضع جدید و کارخانه‌های پیشرفته عملاً همان کاری را که مردان انجام می‌دهند زنان هم انجام می‌دهند. زیرا در کارخانه‌ها اکثراً کارها با دستگاه است که همه زنان می‌توانند از عهده این کار برآیند. ولی کارفرمایان به بهانه‌های بی‌مورد به زنان کمتر از مردان حقوق میدهند. در حالی که فرزندان سرمایه‌دارها در ناز و نعمت زندگی می‌کنند، با ماشین و راننده به مدرسه می‌روند، کودکان کارگران باید در کارخانه‌ها و در بدترین شرایط، با آهن دست و پنجه نرم کنند، تا از گرسنگی نمیرند.

شورای جدید داروپخش موفق باد!

شدند. این هیئت وظایف خود را برای تدارک انتخاب نمایندگان دائم شورا و تدوین اساسنامه و منشور آغاز نمود. تا بحال این هیئت در جلسات هر روزه خود به بررسی پیشنهادهای از طرف نمایندگان مبنی بر نحوه انتخابات - شرایط انتخاب شوندگان، شرایط انتخاب کنندگان و نیز طرح پیشنهادهای برای اساسنامه و ایجاد کمیته‌های مختلفی جهت جوابگویی به خواسته‌های

کارگران کارخانه داروسازی داروپخش هم مانند کارگران سراسر ایران از حدود دو ماه قبل برای انتخاب نماینده‌های خود برای یک تشکل کارگری و تعیین وظایف این تشکل در تحرک و هیجان بسر برده‌اند.

پس از انحلال سندیکایی که پس از انقلاب تشکیل گشته و قادر به انجام اهداف و وظایف خود نشده بود، شعار تشکیل شورای کارگری در کارخانه مطرح شد. ابتدا اقداماتی

صورت صبحه در روز پیرمبارک و این امر مهم را به مثابه کرده‌اند و میکنند و یکی از وظایف اساسی و تخطی ناپذیر خود در این مرحله حساس از تاریخ انقلاب کشورمان تلقی میکنند. چه بدون ایجاد تشکیلات مستقل طبقه کارگر (یعنی در سطح سیاسی تشکیلات حزب طبقه کارگر و در سطح صنفی - سیاسی ایجاد سندیکاها و مترقی کارگری و اتحادیه سراسری کارگران ایران) و بدون رهبری مبارزات مردم تحت رهبری طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته، پیروزی قطعی در مبارزات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه میسر نیست.

اما ضرورت پیکار خستگی ناپذیر در جهت ایجاد تشکلات مستقل طبقه کارگر، نباید منجر به بی تفاوتی نسبت به مسئله مهم تشکیل شوراهای کارکنان که در آینده به طور گسترده‌ای در کارخانه‌ها بوجود خواهند آمد گردد و باعث شود که کارگران پیشرو و مبارز از زیر بار مسئولیت شرکت فعال در این شوراهای و ایفای نقش مثبت در هدایت و سمت دادن آنها در جهت تأمین منافع زحمتکشان و مصالح مشترک ضد امپریالیستی اکثریت بزرگ کارکنان کارخانه‌های کشورمان شانه خالی کنند.

شوراهای کارکنان، در صورتی که مشی صحیحی بر آنها حاکم باشد، می‌توانند به طور موثری در خدمت مبارزه متحد کارگران و کارمندان کارخانه‌ها علیه سرمایه داری وابسته و روابط اسارت بار آن قرار بگیرند و با استثمار به رویه سرمایه داران و کارفرمایان مقابله کنند. شوراهای می‌توانند نقش قابل توجهی نیز در زمینه نظارت کارکنان بر امور کارخانه خود و بخصوص نقش بزرگی در بسیج کارکنان در حفظ دستاوردهای انقلاب

و در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ایفا نمایند. لکن قانونی که به تصویب دولت رسیده است از اشکالات و کمبودهای اساسی فراوانی برخوردار می‌باشد. این کمبودها و نواقص در تعارض با منظور و هدفی است که اصولاً از ایجاد شوراهای کارکنان مورد نظر اکثریت کارکنان کارخانه‌ها و نیروهای مترقی مذهبی و ملی بوده است.

ما در آینده " قانون تشکیل شوراهای کارکنان در موسسات کشور " را مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد. ولی در این جا تنها به این مسئله اشاره می‌کنیم که قانون تصویب شده برای شوراهای و وظیفه‌های جزاسازش دادن منافع کارکنان با هیئت مدیره و یا کارفرما آنها " بدون دخالت در مدیریت

کارخانه‌ها را تشکیل می‌دهند در هیئت رهبری شوراهای حائز اکثریت رای باشند. کارمندان نیز به تناسب تعدادشان حق دارند و باید نمایندگان خود را در سطح رهبری شوراهای انتخاب نمایند.

یکی از وظایف شوراهای مبارزه به خاطر تحقق بخشیدن به مطالبات اقتصادی و صنفی کارکنان می‌باشد. مبارزه برای بهبود شرایط کار در کارخانه‌ها، تأمین رفاه و بهداشت کارگران و کارمندان، تعیین دست مزدی متناسب با افزایش قیمت‌ها و شایسته یک زندگی شرافتمند، شرکت در تدوین قانون جدید کار، تغییر مقررات ضد کارگری در کارخانه‌ها که شرایط طاقت فرسائی برای کارکنان بوجود می‌آورند، تصفیه کارخانه‌ها عمل رژیم سابق و عناصر ضد انقلابی، مبارزه با اجحافات و حیف و میل‌های کارفرمایان و سرمایه داران و عوامل آنان در کارخانه از طریق نظارت بر امور مالی و دخل و خرج‌ها و رسیدگی به شیوه اداره تولید، و غیره جزو وظایفی هستند که شوراها باید بر عهده بگیرند.

علاوه بر وظایف فوق شوراها باید ابزاری باشند در خدمت مبارزه مشترک کارکنان کارخانه‌ها علیه سرمایه داری وابسته و امپریالیسم مخصوص دو ابر قدرت آمریکا و روسیه به خاطر حفظ و تحکیم استقلال ملی و تأمین آزادی‌های اجتماعی و سیاسی. شوراهای صرفاً برای حقوق صنفی و اقتصادی کارکنان مبارزه نمی‌کنند بلکه در شرایط حساب‌گونی کشور آنها باید به طور فعال کارگران و کارمندان را در مبارزه علیه توطئه‌های ابر قدرت‌های آمریکا و روسیه و صهیونیسم متحد و متشکل نمایند و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران کارکنان را زیر پرچم مبارزه با بقایای سرمایه داری وابسته و ضد انقلاب در راه پر پیچ و خم ایجاد اقتصادی ملی، مستقل، شکوفا و متکی به خود بسیج نمایند.

کارکنان کارخانه‌های سراسر ایران در مبارزه علیه ابر قدرت‌های جهان‌خوار، در مبارزه برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، همگی منافع مشترکی دارند و وظایف عمومی مشترکی نیز بر عهده دارند. شوراهای مشترک کارخانه‌ها نیز نباید صرفاً مسائل و مبارزه خود را در چار چوب حوزه کارخانه خود محدود نمایند. آنها در عین حال باید مصالح عمومی و مشترک همه کارکنان کارخانه‌ها در سراسر کشور و به طور کلی مجموعه خلق را مورد نظر قرار دهند و بدین خاطر اتحاد تمام شوراها چه در

بار دبیر سهرما، بوسهر بی‌ار سحر عظیم کار، یک انسان شریف، صادق و مبارز خود را در حین انجام وظیفه از دست داد. آقای یدالله محمودی زحمتکشی بود که مشتاقانه کار پر زحمت نانوائی را در گرمای جانفرسای بوشهر و با خلوص نیت و عشق به مردم به ویژه زحمتکشان هم طبقه‌اش انجام می‌داد.

هر کسی با گرمای جنوب و رطوبت و کار در کنار تنور نانوائی کوچکترین آشنائی داشته باشد، می‌داند که یدالله چه میکشید. در وطن عزیز ما یدالله‌ها کم نیستند. روحیه سرشار از وفاداری و فداکاری و لبخند مهربان‌ش در کنار آن تنور، آرام بخش اعصاب متشنج هر مشتری بود که از گرما کلافه شده و طاقت ایستادن در صف را از دست می‌داد. مشتریان با دیدن چهره پر امید و خنده‌رو او گرما را فراموش می‌کردند. پیگیری اش را در نبرد با گرمای تنور می‌دیدند و در ازاده پولادینش پیروزی او و طبقه‌اش را مشاهده می‌کردند.

مرگ جان‌خراش یدالله را به بازماندگان و تمام دوستانش و تمام کارگران بوشهر تسلیت می‌گوئیم و از روحیه سرشار خدمت به خلق او می‌آموزیم و یادش را گرامی می‌داریم.

کارگران عزیز
"رنجبر" متعلق به شما و متکی به شماست برای بهتر شدن رنجبر، مخصوصاً صفحه کارگری از وضع کارگاه، کارخانه، و محیط کار خود برای ما بنویسید به دفتر رنجبر بیاید و نظرات و درد دل خود را بما بگوئید.
تلفن: ۶۴۴۹۱۲

کارخانه‌ها و چه در شهر و روستا و ادارات در برابر امپریالیسم و به ویژه دو ابر قدرت و عمال داخلی آنها برای پیشبرد امر انقلاب تا به آخر و ایجاد اتحاد بزرگ ملی ضروری می‌گردد. در این راه بدون شک طبقه کارگر پر افتخار ایران به مثابه ستون فقرات این اتحاد بزرگ از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد و با ایجاد تشکلات مستقل و طبقاتی خود ضامن اساسی پیشرفت کار شوراها و پیروزی قطعی انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه ایران خواهد بود.

و وظایف خود نشده بود، شعار تشکیل شورای کارگری در کارخانه مطرح شد. ابتدا اقداماتی در این جهت انجام گردید و پس از طی جلسات و گردهم آیی‌هایی بخشی از کارگران در قسمت‌های خود اقدام به انتخاب نماینده‌های خود نمودند. اما بدلیل اشکالات موجود و اختلاف نظر ها، حرکت نهایی انتخابات شورا تا اواسط ماه جاری به تعویق افتاد و بالاخره در هفته گذشته هیئت نمایندگان ۱۹ نفری از کارگران و کارمندان بطور مختلط و با اکثریت کارگران بعنوان هیئت موسس شورا، بوسیله خود کارگران و کارمندان انتخاب

پیشنهادی برای اسانامه و ایجاد کمیته‌های مختلفی جهت جوابگویی به خواسته‌های اقتصادی - رفاهی و نیز فرهنگی - سیاسی کارکنان پرداخته است. مسائلی که تا بحال مورد بحث و تحلیل قرار گرفته‌است هر چند هنوز در سطح پیشنهاد و در مرحله تحلیل و بررسی است اما از ویژگی خاصی برخوردار بوده که قابل ذکر است. مهمترین امری که مورد توجه هیئت موسس شورا قرار گرفته و کما بیش به مورد اجرا در می‌آید، مساله اعمال دموکراسی و بقیه در صفحه ۵

اعتصاب کارگران فاسترویلر

شرکت موظف است ۴ دستگاه آمبولانس در چهار کارگاه موجود مستقر کند. این حادثه به موج ناراضی‌ها دامن زده و باعث اعتصاب میشود.

در روزهای اعتصاب دو راهپیمائی صورت گرفت. در یکی از آنها کارگران فاسترویلر بودند که شعارهای "مرگ بر شعری" "کارگر پیروز است" "سرمایه‌دار نابود است" و غیره می‌دادند. دیگری چماق بدستانی بودند که بر علیه دسته اول به راهپیمائی پرداختند و با شعار "مرگ بر کمونیسم" سعی میکردند. تظاهرات آرام کارگران را بخاطر حقوق حقه خود، بهم بزنند.

کارگران این شرکت از نمایندگان خود در شورا ناراضی هستند. بطوری که شعار تصفیه را مرتباً میدادند. (در صدر ۴۰ نفر نمایندگان شورا حدود ۲ تا ۳ نفر آنها نمایندگان واقعی کارگران می‌باشند).

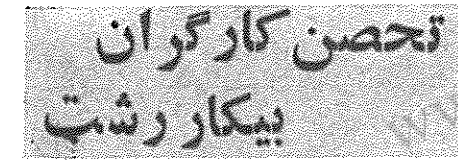
روز ۵شنبه اکثریت قریب باتفاق کارگران به کارخانه نیامدند و روز شنبه همانهایی که گروه چماق بدستان را راه انداخته بودند کارگران را جلوی مسجد جمع کرده و برایشان سخنرانی میکنند. در آخر هم قطعنامه‌ای میخوانند که در آن به نمایندگان شورا ۲ هفته مهلت داده شد تا خواسته آنها را بگیرند و به کارگران گفته شد سر کار خود بروند و این ۲ هفته را کار کنند. اما از آنجائی که ماهیت این افراد برای همه شناخته شده است. دیگر کارگران فریب نمی‌خورند و هنوز هم راضی به رفتن به سرکار نشده‌اند.

عمال کارفرما به طرق گوناگون سعی میکنند. از اجتماع کارگران در جلوی کارگزینی جلوگیری کنند. تمام تلاش کارفرما این است که از ایجاد شوراهای واقعی کارگران و متحد شدن کارگران جلوگیری کند.

روزیکنشبه ۵۸/۷/۱ کارگران فاسترویلر - تهران جنوب، جلوی کارگزینی شرکت اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به خواسته‌های صنفی خود شدند که مهم‌ترین آنها عبارت بود از:

- ۱- اضافه کرایه مسکن.
- ۲- یک ماه مرخصی در سال.
- ۳- اضافه حقوق ۶ ماه به ۶ ماه.
- ۴- پرداخت ۷۵۰۰ ریال اضافه حقوق قبل از انقلاب.

روز بعد یعنی دوشنبه یکی از کارگران قسمت لورگی دچار حادثه شده و قسمتهایی از بدنش بشدت میسوزد و نبودن آمبولانس در محل باعث حشمگین شدن کارگران می‌شود. قبلاً درخواست‌های کارگران فید شده بود که



- از ساعت ۸ صبح روز شنبه ۲۱ مهر ماه، کارگران بیکار رشت در اداره نیروی انسانی وزارت کار تحصن اختیار کردند. خواسته‌های کارگران بقرار زیر بود:
- ۱- بکارگزاران کارکنان بیکار
 - ۲- پرداخت هزینه زندگی
 - ۳- بکارگزاران بیکار مدت بیکاری تبعیض استخدام در کارخانه‌ها بایدا ز بین رود.

خبرنگار "رنجبر" با چند تن از کارکنان مصاحبه کرد که خلاصه‌ای از آنرا در زیر میخوانیم. بقیه در صفحه ۷

خلق اریتره شکست ناپذیر است

نظامی در ژوئن گذشته در "آدیس آبابا" تشکیل شد و در آن علنا "در مقابل منگیستو" موضعگیری شد. مخالفین می‌گفتند که این جنگ را نمی‌توان برد. بعد از این تهاجم، اکنون می‌توانیم به حمله متقابل متوسل شویم. نیروهای مبارز ما شروع به فعالیتهای نظامی کرده‌اند و در دو هفته گذشته توانسته‌اند یک اردوگاه نظامی را در جاده "اسمره-ماساوا" از بین ببرند و فعالیتهای نظامی دیگری هم در "اسمره" انجام گردیده و این درست‌در موقعی بود که رژیم جشن پنجمین سالگرد کودتای خود را می‌گرفت. همه آنها عملاً با شکست مواجه شده‌اند.

باید توجه کنیم که روسها در این تهاجمات نقش موثر داشتند. بخصوص بعد از

کرده و تناسب نیروهای موجود را در یک مبارزه طولانی بنفع خود تغییر دهیم. بنابراین در مرحله اول از شهرهای جنوب "دکامر" عقب نشینی کردیم و در مرحله دوم از نوامبر ۷۸ از شهر استراتژیک "کرن" که دومین شهر اریتره است و از جبهه جاده "اسمره" و "ماساوا" که تحت کنترل ما بود عقب‌نشینی نمودیم. از آن زمان ما یک جنگ موضعی را برای دفاع از پایگاههای استراتژیک جبهه در قسمت‌های ساحل و تمام مناطقی که از آنها عقب نشینی کرده بودیم، از جبهه شمال و از جبهه جنوب، شروع کردیم. ما جنگ متحرک چریکی را جلو می‌بریم. این مبارزه هدفش جلوگیری از استفاده بی‌دغدغه دشمن از تمام راههای ارتباطی

جنش خلقهای تحت ستم امپریالیسم در حال گسترش و شکوفائی است. تلاش ابر قدرت‌ها برای سرکوب جنش‌های آزادیبخش یکی پس از دیگری با شکست مفتضحانه‌ای مواجه میگردد. ابر قدرت روس در تهاجم امپریالیستی خود در آفریقا بویژه در اریتره مواجه با شکستهای سختی از طرف نیروهای استقلال طلب گردیده است.

اخیراً "خبرنگار رنجبر موفق شده تا با "عمد میکائیل گاهای" مسئول روابط خارجی "جبهه آزادیبخش خلق اریتره" در اروپا مصاحبه‌ای ترتیب دهد. ما این مصاحبه را در چند بخش در رنجبر منتشر خواهیم کرد. آنچه در زیر میخوانید بخش اول از این مصاحبه است.

س- در صورت امکان اوضاع کنونی را بطور مختصر برایمان توضیح دهید.

ج- قبل از جواب دادن باین سؤال باید توضیح دهم جنش مقاومت قبل از تهاجم بزرگ اتیوپی در چه مرحله‌ای قرار داشت.

در سال ۱۹۷۴ قبل از تغییر نیرو در درون جنش اریتره بیه نفع "جبهه آزادیبخش خلق اریتره" و قطع جنگ داخلی، ما امکان یافته بودیم با بسیج توده‌های مردم و بهبود شرایط زندگی آنها و ایجاد شوراهای خلقی و ارتش مردمی، تغییرات مهمی در زندگی اقتصادی - اجتماعی خلق اریتره بوجود آوریم. میتوان گفت که جنش مقاومت اریتره از آن زمان تا ۱۹۷۴ در یک تهاجم عمومی بود و بخصوص بعد از اولین کنگره "جبهه آزادیبخش خلق اریتره" در ۱۹۷۷ ما بخش اعظم دهات را آزاد کرده بودیم و آزاد کردن شهرها در دستور کار ما قرار داشت. تا ماه مه و ژوئن ۷۸ جنش مقاومت اریتره حدود ۹۰٪ از خاک کشور را کنترل مینمود و آنچه که در دست اتیوپی باقی میماند چهار یا پنج شهر بود.

در فاصله سالهای ۷۸-۷۶ در منطقه، تغییراتی بوجود آمد. اتحاد شوروی که از رژیم سومالی (زیادیاره) حمایت میکرد، سیاستش را تغییر داد، زیرا در اتیوپی یک جمعیت ۲۵ میلیون نفری را میدید. اتیوپی از نظر قدرت اقتصادی بسیار قوی بود، اتحاد شوروی بفرآیند افتاد که برای حفظ منافع استراتژیک خود در منطقه و کلاً در آفریقا رژیم اتیوپی را تقویت کند.

علاوه بر پشتیبانی اتحاد شوروی، متحدینش بخصوص گویانیها، وظیفه بسیج و تعلیم سربازان اتیوپی را بعهده گرفتند، زیرا برای استفاده از تسلیحات بسیار مدرن و پیچیده‌ای که شوروی به اتیوپی میداد احتیاج به وجود آنها بود. ذکر ارقامی در

رویدادهای جهان



احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی جهان

* سازمان کمونیستی سوئیس

* حزب کمونیست سوئیس

* سازمان کمونیستی سوئیس
* حزب کمونیست سوئیس

که این اختلافات جوانب فرعی را تشکیل می‌دهد و بسیاری از اختلافات می‌تواند در چارچوب حزب واحد حل و فصل گردد. این سازمانها معتقدند که بر سر اصول و مسائل اساسی اختلافی موجود نیست و مانعی در راه وحدت و ادغام وجود ندارد. روند وحدت در دو مرحله پیش بینی شده است: مرحله اول یک کمیسیون مشترک تدارکاتی، تشکیل شده که یک سند سیاسی و یک پیش‌نویس اساسنامه تهیه می‌بیند که بیانگر سطح و درجه توافق و هم‌نظری دو سازمان می‌باشد و پس از دامن زدن به بحث پیرامون این اسناد در درون و برون دو سازمان (در میان توده‌ها) راه وحدت گشوده می‌شود.

دومین مرحله ادغام تشکیلاتی است و با تدوین برنامه تشکیلات جدید پایان می‌پذیرد.

دو سازمان مزبور طی اعلامیه‌ای تصمیمات زیر را برای نزدیکی بیشتر در راه وحدت اعلام کرده‌اند:

۱- طرفین متقابلاً نیروهایشان را در اختیار همدیگر بگذارند و امکانات مادی و تجهیزاتی‌شان را به منظور تبادل اخبار و اطلاعات در اختیار هم قرار دهند.

۲- با توافق متقابل، طرفین می‌توانند مقالاتی تحت نام (پرچم سرخ) که حاصل کار مشترک دو سازمان است در نشریات یکدیگر منتشر کنند.

۳- کوشش می‌شود که هیئت تحریریه مرکزی دو سازمان مقالات مهم خود را قبل از انتشار در نشریاتشان به نظر خواهی طرف مقابل برسانند.

۴- واحدها و رهبران محلی می‌توانند بر سر مسائل مشخص و تحت نظارت نمایندگی کمیته مرکزی وحدت عمل داشته باشند و بر سر مسائلی که وحدت نظر وجود دارد همکاری نمایند.

با توجه به خواست وحدت طلبی و نکات مشترک فراوان، انتظار موفقیت درامد وحدت دو سازمان و ایجاد حزب متحد پرولتاریای سوئیس بسیار است.

جنش مارکسیستی - لنینیستی جهان، با وجود تصام مشکلات ناشی از اخلاص رویزیونیستها، قدم به قدم نیرو می‌گیرد و در جریان مبارزه طبقاتی و ملی‌راه‌بندیده‌ی درخشان خود می‌گشاید. ما از این شماره به بعد کوشش خواهیم کرد تا به تدریج برخی از احزاب و سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی را معرفی کنیم و از تجارب آنها برای ادامه‌ی انقلاب خود درس بگیریم. در این شماره به معرفی دو سازمان مارکسیستی - لنینیستی سوئیس می‌پردازیم. اینها عبارتند از "سازمان کمونیستی سوئیس (OCS)" و "حزب کمونیست سوئیس (PCS)" این دو سازمان هم اکنون در جریان وحدت قرار گرفته‌اند.

از زمان ایجاد (OCS) که خود بدنبال وحدت سه سازمان در "کنگره وحدت مارکسیستی - لنینیستی" بوجود آمد، تماسهای فشرده‌ای بین (OCS) و (PCS) در راه ادغام و وحدت این دو سازمان بوجود آمد. هر دو تشکل به تئوری سه جهان معتقد بوده و مبارزه علیه رویزیونیستهای (PDT) و (POCH) (دو حزب رویزیونیست طرفدار شوروی) را در جنبش‌کارگری ضروری میدانند. هر دو سازمان معتقدند که مبارزه به خاطر سوسیالیسم با مبارزه بخاطر دموکراسی و استقلال ملی پیوند خورده و یکی از شعارهای واحدشان "سوئیس مستقل و سوسیالیستی" است.

همکاری بسیار نزدیکی بین پایه‌های توده‌ای این دو سازمان در زمینه‌های مختلف و در عمل برقرار شده. نظیر جنبش علیه دخالت روسها در چکسلواکی، همکاری مشترک در پشتیبانی از کامیونگیی دموکراتیک، و همکاری به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه و غیره...

هنوز اختلافاتی نیز بین دو سازمان در زمینه‌هایی مانند چگونگی کار در سندیکاها و غیره وجود دارد ولی دو سازمان معتقدند



در زمینه‌هایی مانند چگونگی کاردرستی‌ها و غیره وجود دارد ولی دو سازمان معتقدند

وحدت در سازمان و ایجاد حزب متحد پرولتاریای سوئیس بسیار است .

انتخابات شوراهای

را لغو می‌کنند که بعد از آن شب فرماندار مجبور می‌شود در مسجد صاحب الزمان رود سر در میان مردم قرار گرفته و هیئت نظار انتصاب شده را کنار بگذارد . به جای آن‌ها چند نفر از جوانان مورد علاقه مردم به عنوان هیات اجرائیه انتخاب می‌شوند و چند نفر دیگر به عنوان هیئت نظار که مورد پشتیبانی مردم نیز قرار می‌گیرند و با آنها همکاری می‌نمایند .

پس از آن افراد انتخاب شده در فرمانداری شهر در مورد انتخابات شوراها شروع به تصمیم‌گیری می‌کنند در اینجا نیز با مسئله دیگری روبرو می‌شوند و آن اینکه طرفداران فرماندار ۵ رای داشتند و هیئت نظار و هیئت اجرائیه هر یک صاحب یک‌رای ، البته یک نفر از افرادی که به وسیله مردم انتخاب شده بود از فرماندار پشتیبانی می‌کنند که در نتیجه افراد مورد اعتماد مردم صاحب ۴ رای و فرماندار صاحب ۶ رای می‌شود و

بعد از آن شروع به تأیید یا طرد افراد کاندیدا شده می‌کنند . حزب توده هم دو نفر کاندیدا برای انتخاب شورای شهر معرفی می‌کند و هم زمان با حزب جمهوری اسلامی اعلامیه می‌دهد .

اعلامیه حزب توده بطور فریب‌کارانه‌ای با نام خدا شروع می‌شود .

بعد از این جریان اعتراض مردم شروع می‌شود و کاندیداهای حزب توده از جانب مردم طرد می‌شوند و دلیل طرد کاندیداهای حزب توده از طرف مردم این طور بود که مردم می‌گفتند ما آنها را به خاطر کمونیست بودنشان طرد نکرده‌ایم بلکه به خاطر وابسته بودنشان به شوروی و خیانت‌هایش در کودتای ۲۸ مرداد همچنین عوام فریبی شان آنها را طرد می‌کنیم .

انتخابات بر گزار می‌شود و به گفته استاندار که رود سر ۲۸ هزار نفروا جد شرایط برای شرکت در انتخابات دارد ۲ هزار نفر بیشتر شرکت نمی‌کنند . نتیجه انتخابات به نفع حزب جمهوری اسلامی به پایان می‌رسد و همگی انتخاب شدگان از کاندیداهای این حزب می‌باشد .

مقدم ابو جهاد...

شوروی به پیروزی کامل دست یابد . این دو ابر قدرت امروزه بر سر دست‌اندازی بر جهان درگیر یک رقابت آشتی‌نا پذیرند . در هر کجا که یک نیروی حاکمه تضعیف می‌شود این دو ابر قدرت سعی دارند که آنجا را به زیر سلطه خود بکشند .

خلق فلسطین نیز برای کسب استقلال و آزادی باید هوشیارانه مبارزه خود بسا صهیونیسم را با مبارزه علیه توطئه های دو ابر قدرت هماهنگ کند . این بخصوص از آن رو اهمیت دارد که شوروی امپریالیستی چهره کزیه خود را در حجابی از به اصطلاح " سوسیالیسم و آزادیخواهی " پوشانده است .

با فشاری خلق فلسطین بر حفظ استقلال جنبش خود از بیگانگان بی شک اجازه نخواهد داد که تجربه ویتنام و آنگولا در گوشه دیگری از جهان تکرار شود . و این جاست که ارزشهای ویژه رهبرانی چون ابو جهاد شناخته می‌شود . ابو جهاد علاوه بر اینکه پیام آور رزم فلسطین است ، برای ملت ما از این رو اهمیت دارد که با هوشیاری علیه توطئه‌های ابر قدرتها مبارزه کرده و بدرستی نیروی خلق فلسطین را تنها و تنها عامل تعیین کننده در پیروزی می‌داند .

مقدم ابو جهاد به ایران انقلابی گرامی باد

انحصار طلبی در

حتی اگر کوچکترین نیت سوئی هم در سازماندهی آنها وجود نداشته باشد ، سیاستی انحصار طلبانه است که هم به وحدت خلق صدمه می‌زند و هم به امر بسیج تمام اقشار استقلال طلب و انقلابی مردم برای پاسداری از انقلاب و دفاع از میهن صدمه می‌رساند . این سیاست نشانه دیگری از این فکر انحصار طلبانه است که کویا هر کسی که ایدئولوژی اسلامی نداشته باشد انقلابی و قابل اعتماد نیست .

این سیاست انحصار طلبانه باید فوراً اصلاح شده و توده های وسیع خلق مورد آموزش نظامی برای دفاع از میهن و سرکوب ضد انقلاب قرار گیرند .

ریز برای اسفند ۵۰۰ تن تسلیحات بسیار و بی‌پایه‌های که شوروی به اتیوپی میداد احتیاج به وجود آنها بود . ذکر ارقامی در زمینه تسلیحاتی را لازم می‌بینیم . اسلحه‌های که ایالات متحده در عرض ۲۵ سال به رژیم " هایل سلاسی " داد حدود ۶۰۰ میلیون دلار بود در صورتیکه اتحاد شوروی در عرض تنها دو سال بالغ بر یک میلیارد و پانصد میلیون دلار آمریکا اسلحه به رژیم منگیستو داد . این تسلیحات شدید تغییر بزرگی در تناسب نیرو بین جنبش مقاومت اریتره و رژیم اتیوپی بوجود آورد .

ما با حرکت از این تغییرات در بین دشمنانمان معتقد بودیم که ، مبارزه آزادیبخش باز هم طولانی‌تر خواهد شد و انتظار تهاجم شدیدتر اتیوپی را داشتیم .

دوره‌ی جدید از تهاجم دشمن در عمل آنچه که اتفاق افتاد این بود که از ژوئن ۷۸ رژیم اتیوپی با بسیج ۲۰۰ هزار سرباز ، تهاجم خود را در اریتره آغاز نمود .

اگر چه دشمن از یک حمایت سیاسی ، اقتصادی و نظامی بسیار وسیع برخوردار است ولی در عوض جنبش مقاومت اریتره بطور عام و بخصوص " جبهه آزادیبخش خلق اریتره " یک نیروی برتر مبارزه‌جو را داراست . اگر چه در روابط بین المللی خود جنبش ما در عمل کمک مادی‌ای دریافت نمی‌کند و سکی به اسلحه‌ای است که از دشمن به غنیمت می‌گیرد ، با دیدن این واقعیت ما مجبور شدیم که تاکتیک خود را عوض کنیم .

برای تضمین ادامه انقلاب ما تصمیم گرفتیم از برخورد مستقیم و مقابل اجتناب

جلوگیری از

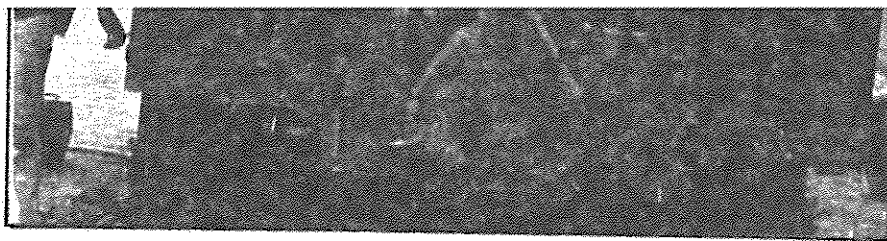
پا فشاری کنند و باز هم بیشتر از توده‌های مردم در کردستان فاصله بگیرند ؟ به عقیده ما آزادی فعالیت سیاسی نیروهای خلق باید مورد حمایت و تشویق دولت قرار گیرد و دولت باید در وحدت با نیروهای سیاسی در همه جبهه‌ها از جمله سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی ، علاوه بر جبهه نظامی ، به مقابله با توطئه‌ها بپردازد . انحصار طلبی بعضی از مسئولین تا کنون به اندازه کافی باعث تضعیف قدرت خلق و تقویت دشمن شده است و به عقیده ما وقت آن رسیده است که از تجربه منفی انحصار طلبی درس بگیریم .

مقامات مسئول باید بین جبهه جنگ با ضد انقلاب و جبهه دوستان انقلاب تمایز روشن بگذارند . این استدلال که چون با دار و دسته‌های وابسته به روس قاسملو و یا

بود و ضربه‌های سخت به نیروهای انسانی و مادی دشمن جزو تاکتیکهای جنگی ما بود . از آن زمان یعنی از ژوئن ۱۹۷۸ تا کنون ، یعنی تا ژوئن گذشته ، دشمن پنج تهاجم بزرگ را تدارک دید . میتوانیم بگوئیم که اکنون ، بخصوص بعد از پنجمین تهاجم بزرگ که دشمن نیروی بزرگی را برای درهم شکستن ما بسیج کرده بود ، یعنی در یک جبهه بسیار کوچک پنجاه هزار سرباز فرستاده بود که از آن‌ها یک " نیروی ویژه " که تقریباً از ۷ هزار سرباز تشکیل می‌شد برای نفوذ در پایگاه‌های ما استفاده میکرد ، بکلی منهدم شدند . فکر میکنم که این آخرین تهاجم بسیار مهم است زیرا ابتدا رژیم تصمیم داشت آنرا سه ماه قبل سازمان دهد ولی بدلیل مختلفی نتوانست . مهمترین دلیل آن این است که مقاومت شدیدی از طرف سربازان اتیوپی برای ادامه جنگ وجود دارد . در دوره ژوئن و ژوئیه در بخش ساحلی حدود ۳۰۰ سرباز که از جنگ ، سر باز می‌زدند تیرباران شدند .

اوضاع اقتصادی اتیوپی بحاطر جنگی که رژیم بر آن تحصیل کرده در حال وخیم شدن است . درون طبقه حاکمه نیز تضاد وجود دارد . برای مثال یک جلسه کادرهای

دار و دسته‌های پالیزبان و غیره در حال جنگ هستیم ، پس نیروهای سیاسی میهن پرست و از آن جمله سازمان انقلابی نباید فعالیت کنند بسیار مضحک است . مگر سازمان انقلابی با دار و دسته‌های وابسته ، حداقل در جبهه سیاسی در حال جنگ نیست ؟ آیا این به نفع کیست که به نیرو های سیاسی بگوئیم حق ندارید بر علیه دشمنان خلقهای ما مبارزه کنید ؟ ما نسبت به جلوگیری از فعالیت سیاسی سازمان انقلابی در کردستان از طرف مقامات مسئول شدیداً اعتراض داشته و در خواست رفع فوری تضعیقات در این مورد را داریم . فعالیت انقلابی برای آگاه ساختن و بسیج توده‌ها جهت تقویت و ادامه‌ی انقلاب و افساء خائنین به میهن و انقلاب . حق هر سازمان سیاسی انقلابی است که انقلاب خونین مردم ما به او داده است .



آخرین ملاقات کاسیگین که در راس یک هیات بلند پایه روسیه به " آدیس آبابا " رفت . در این ملاقات بدون شک منگیستو تقاضای کمک‌های بیشتر کرده و تلگراف برژنف به منگیستو که میگوید " اتحاد شوروی به حمایت خود از اتیوپی ادامه خواهد داد " این به معنی شرکت هر چه بیشتر و مستقیم روسها در این جنگ تجاوزکارانه خواهد بود .

اما بطور کلی می‌توان گفت که اوضاع به نفع انقلاب است . ما می‌توانیم به تهاجم دست بزنیم . برنامه‌ای که ما در دراز مدت

داریم عبارتست از مبارزه طولانی . در این مبارزه سعی ما در اینستکه هر چه بیشتر توده‌های خلق را متشکل کنیم و آنها را از نظر سیاسی و نظامی مسلح سازیم و در یک مبارزه توده‌ای طولانی انقلابیان را به سرانجام رسانیم .

همزمان در خارج سعی ما بر اینست که با تمام نیروهای انقلابی تماس برقرار کنیم و آنها را از وضع کشورمان باخبر سازیم و پشتیبانی وسیع خلقها را از این مبارزات بحق بدست آوریم .

ادامه دارد

بانک روسی و

حزب کمونیست فرانسه

چند ماه پیش در فوریه ۷۹ روزنامه فرانسوی " اکسپرس " مدارک و اطلاعاتی در مورد " بانک بازرگانی اروپای شمالی " که ۹۹/۷٪ سهم آن متعلق بدولت روسیه است ، و رابطه این بانک با حزب کمونیست فرانسه (برادر تنی حزب توده ایران) انتشار داد . این مدارک نشان میدهد که حزب کمونیست فرانسه میلیونها فرانک و اتحادیه عمومی کارگران فرانسه نیز حدود ۵۰ میلیون فرانک در این بانک ذخیره کرده‌اند . مدارک همچنین نشان می‌دهد که این بانک روسی با دادن وام به حزب و یا مسدود کردن اعتبار آن در مرگ و زندگی روزنامه‌ها و انتشارات بقیه در صفحه ۷



فتودالپسم: شعار یا واقعیت؟

در مصاحبه مطبوعاتی که در تاریخ ۱۸ مهرماه ۵۸ در وزارت کشاورزی صورت گرفت دکتر ایزدی وزیر کشاورزی در پاسخ یکی از خبرنگاران که از او درباره موضع فتودالها و موضع دولت در مقابل آنها سؤال کرده بود مطالبی ایراد نمود که قابل ذکر میباشد.

در این مصاحبه وزیر کشاورزی منکر وجود فتودال و فتودالیته در ایران شده و آنرا یک شعار دانست.

این گفته، خواه ناشی از بی اطلاعی و خواه ناشی از انکار عمدی واقعیتهای موجود در جامعه ما باشد، به هیچ وجه صحیح و به نفع ادامه انقلاب نیست. واقعیتهای موجود حاکی از این است که مناسبات بهره کشی فتودال و نیمه فتودالی در سراسر کشور و بویژه در استانهای کردستان، سیستان و بلوچستان و... وجود دارد. برنامه های نواستعماری آمریکائی رژیم منفور و وابسته پهلوی این مناسبات را کاملاً ریشه کن ساخته است.

به خواست دهقانان

دو گونچی (گرگان) توجه کنید

دهکده دو گونچی در نزدیکی شهر گرگان، و ترکمن صحرا قرار دارد. نزدیک به سیصد خانوار دهقان ترکمن در آن زندگی می کنند. این دهکده در حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین زراعی دارد.

داستان زندگی این دهقانان ترکمن اکثریت خلق ترکمن و اکثریت دهقانان ایران داستان درد و رنج و ستم دیدگی و مبارزه است. به منزل یکی از دهقانان می رویم و به زودی عده ای از اهالی ده از پیر و جوان به آنجا می آیند و با شور و شوق زیادی وضعیت خود و خواستها و اهداف شان را برایمان مطرح می کنند. آنها از بااصلاح اصلاحات ارضی شاه مخلوع صحبت را شروع می کنند. می گویند بین سالهای ۴۲ - ۱۳۴۰ حکومت سر سپرده شاه بیش از ۱۵۰۰ هکتار از زمینهای ما را به نام دولت، مصادف، غصب کرده و

را به دشمنی با دولت و امام خمینی بکشاند ولی ما حالا آنها را شناخته ایم و مواظبشان هستیم.

آنها گفتند ما به رهبری امام خمینی و انقلاب اسلامی وفا داریم و می خواهیم در ساختن ایرانی آباد که در جهان نمونه باشد خدست کنیم. ما نه می خواهیم به آمریکا وابسته باشیم و نه به روسیه. کشور ما همه چیز دارد تا به پیش رود و به یک کشور پیشرفته و مستقل بدل شود.

آنها گفتند هر چند که دولت گفته است مالکین باید ۲۰ درصد محصول را به دهقانان بدهند ولی ما آن را هم نمی خواهیم. ما تنها حق غصب شده مان یعنی زمینهایمان را می خواهیم. دولت باید به دنبال گسیل هیئت ۵ نفری به آن منطقه سریعتر عمل کند.

گزارشی از حادثه هولاسو (شاهپندژ)

هولاسو روستائی است در ۵ کیلومتری شاهین دژ. اهالی این روستا تماماً آذری هستند.

در روز پنجشنبه صبح پنجم مهر ماه عده ای تحت عنوان " ستاد عملیاتی مبارزه با ضد انقلابیون شاهین دژ " به رهبری اسد الله بهرامی و با در دست داشتن یک برگ کاغذ از طرف در کاغذ رسمی مارک دار شورای انقلاب شهرستان میاندوآب ستاد عملیاتی مبارزه با ضد انقلابیون در شاهین دژ در مسجد هولاسو مستقر شده و کار خود را خلع سلاح کردن مردم این ده اعلام کردند. این افراد بلندگو بدست گرفته و به کوچها رفته و گفتند: " تا ساعت ۴ بعد از ظهر هر کس باید اسلحه خودش را تحویل این ستاد بدهد، در غیر این صورت مجبور بکارهای دیگری میشویم ". مردم نیز بعد از شنیدن این مطلب ۲۵ قبضه اسلحه بادی و شکاری و ۲ قبضه تیانچه تحویل و در ازایش رسید دریافت می کنند که بعداً این افراد را دستگیر و در مسجد نگه می دارند و می گویند شماها بگوئید که چه کسی اسلحه دارد و مردم نیز گفتند ما در این تعداد اسلحه داشتیم و تحویل دادیم. تازه اگر آقای احسنی (پیش نماز شاهین دژ) یک نامه می نوشت ما تمام اسلحه ها را جمع و تحویل شاهین دژ میدادیم دیگر لازم به آمدن شما نبود.

مجاهدین فوق الذکر بدون اینکه به حرفهای مردم با شرف و با ایمان توجهی داشته باشند بچه های ده را جمع آوری میکنند و با راهنمایی بچه ها به منزل تک تک مردم رفته و موجب ناراحتی خانواده شان میشوند که این کار تا حدود ساعت ۸/۵ - ۹ طول می کشد. در این موقع جوانان هولاسو از شهر می رسند و یک عده دیگر طبق معمول می خواستند به مسجد بروند و نماز بگذارند. وقتی که این تعداد از مردم می خواهند وارد مسجد شوند " افراد ستاد عملیاتی " با قنداق تفنگ به آنها حمله می کنند. در این موقع چراغهای برق ده نیز خاموش شده بود. این افراد از تاریکی شب استفاده کرده و حدود ۲ ساعت دز کوچها و بیابانهای ده شروع

به دنبال این اعلامیه یک اعلامیه نیز از طرف ستاد نام برده نوشته می شود که منکر سر پرستی اسد الله بهرامی شده و " منافقین " و " مزدوران آمریکا " را به سبب توطئه علیه " ستاد عملیاتی " اعلام می کند. در تاریخ شنبه ۵۸/۷/۷ اهالی هولاسو در مسجد بازار شاهین دژ تحصن اختیار می کنند و یک قطعه نامه نیز صادر می کنند. متن این قطعه نامه بقرار زیر است:

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اهالی مسلمان و مبارز شاهین دژ و حومه چنانکه مستحضرد عده ای به اصطلاح به نام " ستاد عملیاتی مبارزه با ضد انقلابیون " در تاریخ ۵۸/۷/۵ روز پنجشنبه بدون اطلاع قبلی در هولاسو مستقر شده بودند که مردم را خلع سلاح کنند و با مبادرت باین امر سلاح مردم را جمع آوری نموده و در پایان همان روز بعد از اعمال زور و ناراحتی روحی بر عده ای بی گناه و حمله با قنداق تفنگ با افراد مومن با انقلاب اصیل اسلامی به این عمل اکتفا نموده و در تاریکی شب بدون دلیل و بدون وقفه شروع به تیر اندازی

و رگبار نموده و ایجاد وحشت و ناراحتی کرده اند.

ما متحمنین که شاهدان عینی واقعه هستیم ضمن محکوم کردن اعمال این افراد بار دیگر با دل و جان و تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفر پشتیبانی خود را از انقلاب اصیل اسلامی به رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خمینی اعلام داشته و از دولت جمهوری اسلامی و بخشداری و مراجع صلاحیت دار شاهین دژ مصراانه خواستاریم.

۱ - عاملین تیر اندازی در هولاسو بعد از شناسائی به شدیدترین وجه مجازات گردند.

۲ - در برنامه های عمرانی اولویت را به روستاها داده بدین وسیله در احیای کشاورزی گامی موثر برداشته شود.

۳ - از آنجا که ما از نظر سیاسی و اقتصادی و موقعیت جغرافیائی و داد رسی وابسته به شاهین دژ می باشیم لذا از فرماندهی محترم پاسگاه ژاندارمری و ریاست کمیته مرکزی شاهین دژ تقاضا می نمائیم که در امر داد رسی و غیره اجازه دخالت به افراد غیر مسئول ندهند.

۴ - چون سلاجهای موجود در ده غیر منتظره جمع آوری شده لذا برای جلوگیری از هر نوع خطر احتمالی استقرار و حفاظت منطقه از مقامات مسئول خواستاریم.

۵ - ما خواستار بر چیده شدن ستاد نام برده که کار مثبتی برای دولت و ملت انجام نمی دهند می باشیم. در خاتمه با تایید دولت موقت مهندس مهدی بازرگان و رهبری انقلاب اسلامی بقاء و دوام اسلام راستین را از خداوند متعال خواهانیم.

این حادثه را به رادیو ارومیه و رادیو تلویزیون نیز خبر می دهند که عصر همان روز ساعت ۶ رادیو ارومیه این خبر را پخش نمود. در نتیجه خبر تلفنی به استانداری ارومیه و فرمانداری میاندوآب روز یکشنبه فرمانداری میاندوآب و نماینده استاندار و نماینده ستاد عملیاتی بعد از ظهر ساعت ۴ به شاهین دژ آمدند و بعد از بحث و گفتگو به این نتیجه رسیدند که به خواسته های که در قطعه نامه اهالی " هولاسو " آمده است بعد از تماس با مقامات بالا رسیدگی به عمل بیاید. البته هنوز ترتیب اثری داده نشده است.

مشکل فروش پنبه دهقانان گرگان و دشت

مطابق معمول هر ساله از اواخر شهریور...

شورای جدید

شرکت دادن کارگران در امر تصمیم گیریها و پیشنهادات است. نمایندگان موقت موظف گشته اند که کلیه مسائل مطروحه در جلسات هیئت موسس شورا را به بحث کارگران بگذارند، از آنها نظر بخواهند و جمع بندی نظرات

می‌گویند بین سالهای ۴۲-۱۳۴۰ حکومت سرسپرده شاه بیش از ۱۵۰۰ هکتار از زمینهای ده را به زور ژاندارم و ارتش غصب کرده و دهقانان را به روز سیاه نشانده است .
۸۵۰ هکتار از زمینها را سر لشکر ایادی دکنتر مخصوص شاه با زور سربازان گارد شاه از اهالی غصب می‌کند . ۵۰۰ هکتار دیگر را غلامحسین خان نیک نفس بخشدار آن زمان غصب می‌کند . ۳۰۰ هکتار دیگر را به نام تقسیم زمین میان دهقانان بی زمین از دست اهالی خارج می‌نمایند و البته همه اینها تحت نام اصلاحات ارضی انجام می‌پذیرد .

اهالی به مقابله بر می‌خیزند ، حتی به تلگراف خانه گرگان رفته ۱۲ روز تحصن می‌نمایند . ولی هر بار با نیروی ژاندارم و گارد سرکوب می‌شوند .
یکی از دهقانان حاضر در جلسه ، دهقان پیبری است که ۶۱ سال از عمرش می‌گذرد . دست راستی در جریان درگیریهای آن سالها توسط سربازان شاه شکسته و حالا از کار افتاده است . وی میگوید ۸ هکتار زمین برایش باقی مانده در حالی که ۱۸ سرعائله دارد . می‌گوید زندگی مان آن قدر سخت است که مثل زندگی گاو و گوسفند است .

یکی دیگر می‌گوید طاغوت ما را مثل فلسطینیها از خانه و کاشانه مان رانده است و در تکه زمینی از ترکمن صحرا که بیشتر شوره زار است سکنی داده است .

علاوه بر اینها رژیم شاه سرنگون شده تحت لوای همان اصلاحات ارضی فرمایشی تمام مراتع را از دست دهقانان بیرون آورد . دهقانان می‌گویند در حالی که در سالهای ۴۵-۱۳۴۰ نزدیک به ده هزار دام داشته‌اند ، در اثر از دست دادن این مراتع تعداد این دامها اکنون از هزار تا نیز کمتر شده است . و بدین ترتیب دامداری آنها از بین رفته است .

اگر بخواهیم ستمهای زیادی را که در این ده بر دهقانان رفته است بازگو کنیم کار به درازا می‌کشد . از این رو به خواسته‌هایی که آنان در پی توضیح درد و رنجهای گذشته مطرح نمودند می‌پردازیم .
آنها گفتند حالا که انقلاب شده و طاغوت سرنگون گشته ما انتظار داریم حقوق از دست رفته‌مان را باز ستانیم تا بتوانیم به امر توسعه کشاورزی و نو سازی کشورمان خدمت نمائیم .

آنها گفتند عده‌ای فرصت طلب تلاش کردند از دردهای ما سوء استفاده کرده و ما

می‌خواهیم . دولت باید به دنبال حسین هیئت ۵ نفری به آن منطقه سریعتر عمل کند .
آنها از کمیته امام گرگان هم مساعدت طلبیدند و تقاضا کردند که کمیته امام به اخبار غلطی که مالکین ارضی درباره دهقانان می‌گویند توجه ننموده و از این مستضعفین حمایت کنند تا به حق خود برسند .

دهقانان تعریف کردند که دولت شاه سالها به ما وعده آب داده بود ولی عملاً آب را برومان بست در حالی که دولت موقت در طی شش ماه گذشته قدمهای بزرگی در این راه برداشته و به زودی آب لوله‌کشی برایشان می‌آید . و امیدوارند که در مورد مسئله حیاتی آنان یعنی زمینهایشان هم اقدامات فوری صورت گیرد .

دهقانان این ده مانند دیگر برادران خود در فقر و فاقه به سر می‌برند . اکثریتشان تنها ۴ هکتار زمین بی آب دارند . در آمد این زمینها آنقدر ناچیز است که باید به

فعلگی نیز بپردازند . تازه آن هم کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد . در نتیجه هر وقت که بتوانند به قالی بافی دست می‌زنند . دختر بچه‌ها از ۷-۸ سالگی مجبورند قالی بافی را شروع کنند و در ۲۵ سالگی شبیه پیر زنانی اند که اکثر شان بیثباتی خود را کم و بیش از دست داده‌اند .

دهقانان این منطقه مسائل دیگری هم دارند . از دکتر و بهداشت خبری نیست . عده‌ای از جوانان آنان به تحصیل علوم دین سنی پرداخته‌اند . اما نه تنها از جانب قوانین فعلی تحصیلات آنها به رسمیت شناخته نمی‌شود بلکه بعد از ۱۴ سال تحصیل دین ممر معاش نیز ندارند .

اینها که گفتیم نمونه زندگی دهقانان ترکمن است . ما معتقدیم از لحاظ وحدت خلقهای ایران ، باز سازی کشاورزی و بستن توطئه‌های ضد انقلابی و واقعیت بخشیدن به عدالت اجتماعی ، رهبری انقلاب و دولت موقت باید به خواسته‌های این بخش از هم وطنان رسیدگی کرده و گامهای مثبت عملی بردارند .

مسئله مرکزی این دهقانان باز پس گرفتن زمین های غصب شده و مراتع آنان است . باین خواسته‌ها باید جواب مثبت داده شود . زیرا خواسته‌های بر حق اند و بر آورده نمودن آنها در خدمت استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی است .

مطابق معمول هر ساله از اوایل شهریور و اوایل مهر ماه با باز شدن گلهای پنبه ، روستائیان و کشاورزان منطقه شروع به چیدن و عرضه محصول به بازار نمودند ولی امسال از همان اوائل نگرانی شدیدی بین زارعین بوجود آمد . علت این نگرانی ناشی از نبودن بازار فروش و به طور کلی نبودن خریدار پنبه تصفیه نشده است .

تا قبل از انقلاب بازار پنبه به طور انحصاری در دست گروهی معدود از سرمایه داران بزرگ وابسته به رژیم پهلوی بود . این سرمایه داران اولاً کنترل انحصاری صادرات و فروش داخلی الیاف پنبه را در دست داشتند ، ثانیاً کارخانه‌های تهیه روغن نباتی (از تخم پنبه) در انحصار آنها بود ، ثالثاً با توجه به قیمت انحصاری و حمایت دولت ، قیمت پنبه تصفیه نشده را به پائین ترین میزان ممکن تعیین می کردند و بدین وسیله دهقانان را میچاپیدند و بالاخره از تسهیلات فراوان از جمله استفاده از وام با بهره نازل جهت خرید و براه انداختن کارخانه‌های پنبه پاک کنی و روغن کشی و صادرات ، استفاده می کردند .

علاوه بر کسانی که نمایندگی مستقیم این گروه در منطقه بودند تعداد زیادی از سرمایه داران متوسط و مالکین ارضی هر یک به نسبت سرمایه خود نقش واسطه را در بازار پنبه گرگان و دشت بازی می کردند و از دهقانان و کشاورزان کوچک محصولشان را به قیمت نازل می خریدند . از این عده برخی سلف خری می کردند و برخی دیگر دهقانان یک روستا را مجبور به فروش محصول می نمودند .

پس از انقلاب ، گروه بزرگ انحصار گر فرار کرده و فعلاً در محل حاضر نیست . گروه واسطه‌ها به دلایل مختلف ، منجمه ترس از رو کردن سرمایه شان وارد بازار نشده‌اند . دولت نیز عملاً در خرید پنبه فعال نبوده

است . تنها اقدامات محدودی از طریق شرکت‌های تعاونی روستائی انجام داده‌است . لذا اکنون که دو ماه از فصل برداشت محصول پنبه گرگان و دشت می‌گذرد ، بازار خرید پنبه به هیچ وجه خوب نیست و دهقانان پنبه کار تحت فشار هستند .
این وضع موجب آن شده که دهقانان صحبت از این می‌کنند که برای سال آینده مقدار کمتری پنبه خواهند کاشت و به علاوه وضع بد بازار پنبه نتایج اقتصادی نا گواری را برای کل اقتصاد منطقه گرگان و دشت بیار خواهد آورد .

دولت در حال حاضر گرا بیش به سوی تقویت تولیدات غذائی (مانند گندم) را دارد و توجه زیادی به تولید محصولات کشاورزی صنعتی نمی‌کند و این امر با توجه به نقش مهم پنبه در صادرات ایران و مسئله تهیه روغن نباتی از تخم پنبه ، مشکلاتی را در آینده بوجود خواهد آورد .

در هفته اخیر تحولات مساعدی در مورد ازدیاد خرید پنبه از طرف دولت دیده می‌شود . اما اینها بهیچوجه کافی نیست و به نظر ما دولت باید توجه جدی به مساله خرید پنبه گرگان داشته باشد ، چه در صورت ضربه خوردن به اقتصاد پنبه در منطقه ، کسادی بازار و رشد بیکاری را در سال آینده به دنبال خواهد داشت و با توجه به حساسیت سیاسی منطقه و اخلاص عناصر چپ نما و عوامل روس ، این امر زمینه مساعدی را برای توطئه علیه جمهوری اسلامی بوجود خواهد آورد .

توجه به وضع دهقانان و همچنین کشاورزان میانه حال گرگان و دشت بایستی به عنوان یک مساله مهم اقتصادی و سیاسی در دستور کار دولت قرار گرفته و همراه با جریان باز گرداندن زمینهای غصبی دهقانان ترکمن ، به پیش برده شود .

هوشیاری انقلابی...

با اعزام این درزین مشاهده شد که پل هشت دهانه بین ایستگاه خاور و نظامیه کیلومتر ۸۷۸ (تهران - اهواز) منفجر و خط آسیب دیده است که بلافاصله اقدامات لازم جهت مرمت خط از طرف ناحیه راه آهن جنوب داده شد . با متوقف کردن قطارهای باری در بامدر و اطلاع به قطارهای مسافری (عادی) و اکسپرس و اعزام درزین جهت بازدید خط

دسته اند که تهیه مسو در چسبند هیئت موسس شورا را به بحث کارگران بگذارند ، از آنها نظر بخواهند و جمع بندی نظرات کارگران را در هیئت موسس مطرح نمایند ، پیشنهادات خود را قبل از ارجاع به هیئت موسس ، به بحث و تبادل نظر کارگران بگذارند . از کارگران در مورد شیوه انتخابات نظر بخواهند و کارگران را به شناسایی در انتخاب نماینده واقعی خود تشویق نمایند . البته این مطلب حائز اهمیت است که بسیاری از کارگران این کارخانه ، در امر انتخاب نماینده واقعی کارگری وسواس ، و سختگیری و دقت بسیاری می‌کنند . آنان

مهمترین مشخصه‌ای را که برای یک نماینده واقعی مورد توجه قرار میدهند ، گذشته سیاسی و عدم وابستگی او به ارتجاع و بخصوص رژیم سابق می‌باشد . کارگران در این مورد دقت شایان توجه و شایسته‌ای بکار می‌بندند .

برخی از اصولی که برای بهبود شرایط رفاهی - اقتصادی و نیز سیاسی - فرهنگی که جهت درج در اساسنامه مورد پیشنهاد قرار گرفته‌است ، نیز قابل ذکر می‌باشند . از جمله :
پاکسازی کارخانه از عناصر وابسته به رژیم سابق و ساواک - شرکت در تدوین قانون کار - انتشار یک نشریه در سطح کارخانه تشکیل جلسات بحث و سخنرانی کارگران برای کارگران و نیز بسیاری از خواسته‌های دیگری چون حل مشکل مسکن - مرخصی سالیانه - پرداخت وام ضروری - ایجاد صندوق شکایات و غیره .

همچنین پیشنهاداتی در مورد تشکیل چند کمیته نیز شده است مانند :
کمیته رفاهی - کمیته شکایات - کمیته نظارت بر صادرات و واردات کارخانه - کمیته نظارت بر امور مالی - کمیته حفاظت - کمیته ارتباطات - کمیته رسیدگی به مشکلات و مسایل خانوادگی کارگران - کمیته فرهنگی و ایدئولوژیک و غیره .

هیئت موسس شورای این کارخانه برای تدوین اساسنامه خود هم چنان مصر بوده و قرار است اساسنامه پیشنهادی دولت را مورد شور و بحث و تحلیل خود قرار داده تا اساسنامه‌ای مطابق با روحیه و خواسته‌های کارگران این کارخانه تدوین نمایند .

ما آرزوی موفقیت برای کارکنان این کارخانه را داشته و اطمینان داریم تا زمانی که کارگران زحمتکش خود مستقیماً در تعیین سرنوشت اقتصادی - سیاسی و مبارزاتی خود شرکت میکنند از پیروزی و موفقیت برخوردار خواهند بود .

طبق دستور کنترل وقت جان مسافران نجات یافته و از میلیاردها تومان ضرر جلوگیری بعمل آمد .
در اثر هوشیاری و کاردانی کنترل وقت عبدالعزیز صابری ، طبق دستور ناحیه نامبرده مورد تشویق ناحیه قرار گرفت .
کنترل چی عبدالعزیز صابری کسی است که چند ماه پیش بخاطر دریافت نشریه رنجبر از توشه راه آهن با تفاق برادرش ناصر صابری حدود ۱۰ روز در زندان کمیته بسربرده بود .

تحصن و تشکیل کانون دیپلمه‌های بیکار لار

در تاریخ شنبه هفتم مهر ماه تعداد ۴۰۰ نفر از دیپلمه‌ها و فوق دیپلمه‌های بیکار در فرمانداری این شهرستان اجتماع کردند و خواستار ایجاد کار شدند. این اجتماع در حدود ۶ ماه پیش نیز در این فرمانداری و بوسیله خود این دیپلمه‌ها انجام شد که با وساطت آقای ربانی نماینده امام در فارس پایان گرفت و خواسته‌هایی نیز از طرف متحصنین مطرح گردید که یکی از اساسی‌ترین آنها مبنی بر اینکه این دیپلمه‌ها تا اول مهرماه سرکار خواهند رفت، از طرف مقامات مسئول عملی نشد و از این رو این دیپلمه‌ها مجدداً دست به تحصن زدند. خواسته‌هایی که از طرف این اجتماع بوسیله نمایندگان آنها مطرح گردید، عبارت بودند از:

- ۱- ایجاد کار برای همه.
- ۲- پرداخت وام بیکاری.
- ۳- تصفیه ادارات از عناصر وابسته به رژیم قبل و جایگزینی آنها بوسیله دیپلمه‌های بیکار.
- ۴- حذف شرایط سنی در استخدام ادارات.
- ۵- جلوگیری از دوست‌بازی و پارتی و غیره در مورد استخدام در ادارات دولتی.
- ۶- ترویج و رونق کشاورزی در منطقه در جهت تحکیم انقلاب و خودکفائی اقتصادی.

بدنبال تحصن فارغ‌التحصیلان بیکار در روز شنبه آنها تصمیم گرفتند اتحادیه یا کانونی مختص فارغ‌التحصیلان بیکار و برای حل صحیح مشکل‌شان تشکیل دهند. هدف اصلی این اتحادیه مبارزه مستمر و پیگیر بر علیه بیکاری که یکی از عوارض بحران اقتصادی به ارث رسیده از رژیم طاغوت بوده و موجبات فساد جامعه را فراهم می‌آورد، میباشد. مشی این اتحادیه مبتنی بر مشارکت با

دولت در مسئله ریشه کن کردن بیکاری و به پیش بردن انقلاب است. برای رسیدن به این هدف مقدس جوانان پرشور این منطقه خلافت‌ها و با اشتیاق در جلساتی که از طرف کانون یا اتحادیه تشکیل میشود شرکت جسته و با هم پیرامون حل صحیح این مشکل بحث و تبادل نظر مینمایند و بدور از هر نوع تفرقه و متحداً تصمیمات قاطع اتخاذ نموده و در عمل بر آنها پافشاری مینمایند. این فارغ‌التحصیلان در مجموع حدود ۴۰۰ نفر هستند که در اولین جلسه این کانون که در حقیقت پیشنهاد تشکیل چنین کانونی مطرح شد و افراد جلسه بر روی آن بحث و تبادل نظر کردند و اکثریت قاطع جلسه به تشکیل این کانون رای مثبت دادند و مطالبی که در جلسه اول مورد بحث و بررسی قرار گرفت مسئله ارتباط این فارغ‌التحصیلان یا نمایندگان آنها با سازمان‌های دولتی و بخصوص با فرمانداری منطقه بود. مطالب دیگری که افراد این جلسه روی آن بحث کردند مسئله تشکل صنفی بود که خود یک نوع تشکلات سیاسی است و باید مواظب بود که افراد ناباب و ضدانقلابی در صفوف این افراد رخنه نکنند و بحث‌هایی پیرامون مشارکت با دولت و کمک به آن در مورد از بین بردن این مشکل یعنی بیکاری که سرچشمه فساد در جامعه است، صورت گرفت.

در جلسات بعدی عده‌ای که از قبل توسط این اجتماع انتخاب شده با فرماندار تماس گرفت و فرماندار و سازمانهای دولتی از این کانون پشتیبانی کردند و تاکید کرده بودند که مواظب عوامل ضد انقلابی در صفوف خود باشید. و بحث جلسات بعدی این کانون پیرامون این مسئله بود و سپس کانون، نمایندگان از خود این اجتماع انتخاب کردند که در رابطه با سازمانهای دولتی باشند.

«بیکار» و قافیه بافی چپ

انقلاب اخیر میهن ما نیز به خوبی شاهد شکل گیری دو صف بندی مشخص و دو نیروی متخاصم در مقابل یکدیگر بود. در یک طرف دربار، فئودالها، سرمایه داران بزرگ وابسته و حامیان امپریالیست آنان، و در طرف دیگر تمام نهماء، خلق شام...

در شماره ۲۳ نشریه "بیکار" ارگان سازمان "بیکار" ... ، مقاله‌ای چاپ شده تحت عنوان: "مظلومیت بخش خصوصی!!" که می‌توان آن را شاهکار تروتسکیستی قافیه با فان چپ نامید.

قرارداد ۱۹۲۱ با شوروی را لغو کنید

دکتر ابراهیم یزدی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در هفته گذشته اعلام کرد که به همراه طرح لغو قراردادهای دوجانبه بین ایران و آمریکا طرح لغو دو ماده از قرارداد دوجانبه بین ایران و شوروی مصوب ۱۹۲۱ را نیز به هیئت دولت ارائه داده است. بر طبق بندهای پنجم و ششم قرارداد ۱۹۲۱ در صورت فعالیت بر علیه روسیه در ایران (که قضاوت این مسئله با خود روسیه است)، دولت روسیه "حق" دخالت مستقیم و اشغال نظامی ایران را دارد. بیش از ۵۰ سال قبل این قرارداد بخاطر اوضاع بخصوص آن زمان بسته شد. چه بعد از انقلاب اکتبر در شوروی تعداد زیادی از افسران و سربازان ارتش تزاری وارد

ایران شده و در مناطق مرزی ایران و شوروی در صدد ضربه زدن به دولت جوان شورواها بودند. این قرارداد در آن زمان عمدتاً برای جلوگیری از فعالیت این نیروهای نظامی ارتجاعی منعقد گردید. اما امروز که روسیه بعنوان یک ابرقدرت امپریالیستی درآمده و بغارت و تجاوز میهن ما میپردازد. در صورت لغو نشدن این قرارداد، نه تنها استقلال میهن در معرض خطر است، بلکه این قرارداد هرگونه فعالیت ضدامپریالیستی و استقلال طلبانه مردم ما و کلیه نیروهای میهن پرست و انقلابی علیه امپریالیستهای روسی را از مردم ما سلب میکند و در تضاد کامل با حق حاکمیت ملی و استقلال کشور ماست. بعنوان مثال، طبق این قرارداد،

«میهن سوسیالیستی»

خود را با امپریالیسم روسیه در کردستان توجیه کند، مجبور است که بالکل زیر مقوله میهن پرستی بزند و بیشرمانه آنرا نفی کرده و برای این تسلیم طلبی ملی از زراد خانه تروتسکیسم و روزیونیسم کمک بگیرد! "کار" مدعی است که: ((کجای فرهنگ مارکسیستی برای حمله به یک جریان آنرا "وابسته به بیگانه" معرفی می‌کنند؟)) ("کار" - شماره ۳۳، ۹ مهر ۵۸). باید پاسخ داد در فرهنگ مارکسیسم انقلابی، مارکسیسم ضد امپریالیستی چیزی که شما از آن بیگانه هستید، هم از مارکسیسم اش و هم از ضدامپریالیسم بودنش. اما مسئله اصلی بی فرهنگی رهبری غاصب نیست. چند سطر بعد میخوانیم: "ببینید چقدر و تا کجا آشکارا انترناسیونالیسم پرولتاریائی بر باد رفته است". و اگر میپرسید که این "انترناسیونالیسم" آقایان به چه معناست، شرح میدهند که: "میهن پرستان واقعی مارکسیستها هستند. منتهی باید دید کدام میهن؟ میهن سوسیالیستی یا بورژوازی؟ (تکیه‌ها ما). یعنی بزعم رهبری غاصب، مارکسیستها تنها زمانی حاضر به دفاع از میهنشان هستند که سوسیالیستی باشد و نه بورژوازی و اگر امپریالیستی به میهن ما که تحت حاکمیت بورژوازی قرار دارد حمله کرد، بزعم رهبری غاصب مارکسیستها ملزم به دفاع از میهنشان در مقابل امپریالیسم نیستند. زهی بشرمی! اما مسئله اصلی در اینجا نیست، مسئله "میهن سوسیالیستی" آقایان رهبری غاصب است. مسئله سوسیال امپریالیسم شوروی است که آقایان آنرا سوسیالیست میدانند و

با این امپریالیست احساس همبستگی بیشتری دارند تا میهن "بورژوازی" خودشان و حتی حاضرند با سوسیال امپریالیستهای شوروی علیه ایران و میهنشان متحد شوند. باور نمیکنید؟ آقایان صریحاً "و علناً" میگویند: "مگر نه اینکه مارکسیسم منادی و مشوق اتحاد کارگران با پرولتاریای کشورهای دیگر حتی علیه بورژوازی خود است؟". یعنی آقایان خیلی رک و راست میگویند اگر سوسیال امپریالیستهای شوروی ("میهن سوسیالیستی" آقایان رهبری غاصب) به ایران "بورژوازی" ما حمله کردند، باید عوض ایستادن در مقابل تهاجم آنها و مبارزه برای حفظ استقلال میهن، با امپریالیستهای روسی ("میهن سوسیالیستی" آقایان) علیه دولت ملی (بورژوازی) متحد شد و آن را سرنگون کرد. رهبری غاصب بیشرمانه "تئوری" انقیاد ملی را هم تحت عنوان "مارکسیسم" بخورد مردم میدهد و بدین گونه بزرگترین ضربه را به جنبش مارکسیستی ایران وارد میسازد. نه آقایان انقیاد طلب "انقلابی" نما، این مارکسیسم نیست تسلیم طلبی ملی است. مارکسیسم بر آن است که در عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی، مارکسیستهای ملل تحت ستم امپریالیسم باید با تمام اقشار و طبقات خلق - منجمله بورژوازی ملی - بر علیه امپریالیسم و برای دفاع از استقلال میهنشان در مقابل تجاوزات امپریالیستی متحد شوند و این وظیفه انتر-ناسیونالیستی آنهاست، چه آنها با شکست دادن امپریالیسم در کشورشان، برسند بازوهای خونخوار آن از میهنشان است که بزرگترین خدمت را به پرولتاریای جهانی و

دولت ملی و مردم ایران حق مبارزه با توطئه‌های ابرقدرت روسیه در گنبد گاوس، بلوچستان و امروز هم در کردستان را ندارند و ابر قدرت روسیه به بهانه اینکه ایران پایگاهی علیه او شده است، میتواند به کشور ما لشکرکشی کند. از این رو طرح لغو مواد ۵ و ۶ این قرارداد که هنوز مرحله بحث و گفتگو در هیئت دولت را طی میکند، در شرایط امروزی انقلاب ایران گام بزرگی در خدمت بدست آوردن استقلال میهن ما بشمار میرود. ما معتقدیم که هیئت دولت باید هر چه زودتر کل قرارداد ۱۹۲۱ با شوروی را لغو کرده و بدین وسیله گام دیگری در جهت تحکیم استقلال ملی ایران بردارد.

پیشبرد انقلاب جهانی پرولتاریائی انجام میدهند.

آرایش ضد انقلاب وابسته

رهبری غاصب چریک‌های فدائی در ارزیابی از دار و دسته قاسملو همه چیز را مورد بررسی قرار میدهد جز جانب اصلی. یعنی وابستگی این دار و دسته به امپریالیسم روس (در حالی که دعوی اصلی با "کنفرانس وحدت" نیز درست بر سر این مسئله است). بلکه در عوض، دفاع خود از این دار و دسته را به پای باصطلاح "صداقت انقلابی" خود میگذارد و معنای جدیدی از "صداقت انقلابی" به مردم عرضه میشود. دفاع از یک دار و دسته وابسته به بیگانه در مقابل انقلاب ا رهبری غاصب با "فراموشی" کردن مسئله وابستگی دار و دسته قاسملو، انتقاد از آنها را محدود به عدم "دمکراتیسم پیگیر" در خط مشی سیاسی آنها میکند و در نتیجه در چارچوب ادامه وابستگی این دار و دسته، آقایان رهبری غاصب می‌خواهند یک حزب "دمکراتیک با گرایش لیبرالیستی" (بقول خودشان) را با مبارزه به حزبی وابسته به بیگانه اما "پیگیر" (۱) تبدیل کنند. یعنی چیزی مثل خودشان. گویا تنها کمبود جنبش ضدامپریالیستی خلقهای ما و جنبش خلق کرد نبودن دسته دیگری از مزدوران "انقلابی" نمای وابسته به روس است. مواضع اخیر رهبری غاصب چریک‌های فدائی گام دیگری در سراسیم سقوط کامل به تسلیم طلبی ملی و انقیاد طلبی در مقابل امپریالیسم روسیه است. از اینرو مبارزه با خط مشی انقیاد طلبانه آنان نه تنها وظیفه مارکسیستها، بلکه جزو وظایف کلیه نیروهای میهن پرست و آزادیخواه است.

که می‌توان آن را شاهکار تروتسکیستی قافیه با فان چپ نامید.

در این مقاله، از مهندس بازرگان نخست وزیر تحت عناوینی چون "این خدمتگذار صدیق سرمایه داران"، "نماینده" سینه چاک منافع سرمایه داران و دشمن سرسخت کارگران و توده های زحمتکش"، نام برده شده و نام برده به خاطر دفاعی که از "بخش خصوصی" کرده است مورد شدیدترین حمله قرار گرفته است. مقاله، ظاهراً با هدف دفاع از "کارگران و زحمتکشان" نوشته شده است ولی بوی گند تروتسکیسم به شدت از آن به مشام می‌رسد و طبیعی است که با جدا کردن "سرمایه داری ملی" از صف نیروهای خلق، بیش از همه به همان "کارگران و زحمتکشان" لطمه وارد می‌کند.

قافیه بافی چپ مرضی است که در حال حاضر دامنگیر بخشی از جنبش چپ در ایران است. آنها به مسائل انقلاب در عصر امپریالیسم پی نبرده و بسیاری از واقعیتهای موجود در جامعه خود را ندیده می‌گیرند و با اقتباس از یکی دواثر مارکسیستی مربوط به قرن ۱۹ بسیج شده، قلم را مانند شمشیر بر می‌افرازند، سرو صدا راه می‌اندازند و در کار انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما اخلال می‌کنند. باید از نویسندگان اینگونه تحلیلها پرسید که تحلیل‌های شما بر اساس کدام واقعیت‌هاست؟ و تئوری راهنمای شما چیست؟

واقعیات تاریخی چه می‌گویند

تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان و همچنین تاریخ معاصر میهن ما گواه شرکت فعال بورژوازی ملی در مبارزه ضد امپریالیستی برای استقلال میهن است. این تجربیات تاریخی نشان می‌دهند که نیروهای متعلق به جهان بینی زحمتکشان باید با نیروهای سرمایه داران متوسط و کوچک و روشنفکران ملی گرا متحد شوند و تنها یک جبهه وسیع از کلیه نیروهای خلقی میتوانند مبارزه ضد امپریالیستی را شکوفان و پیروزمند سازد.

یک طرف دربار، فتوادلها، سرمایه داران بزرگ وابسته و حامیان امپریالیست آنان، و در طرف دیگر تمام نیروهای خلقی شامل کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی، اقشار مختلف خرده بورژوازی و سرمایه داران ملی و روشنفکران متعلق به آنها قرار گرفتند.

تئوری راهنمای مارکسیست - لنینیستها چه می‌گویند

قافیه با فان چپ به آموزگاران مارکسیسم استناد می‌کنند که از "تضاد طبقاتی"، "تضاد آشتی نا پذیر میان پرولتاریا و بورژوازی"، "صف مستقل" و "سیاست مستقل" پرولتاریا و... نام برده اند. ولی قافیه با فان نمی‌دانند که نقطه نظرهای مارکسیستی هر کدام نتیجه و حاصل تحلیل مشخص از هر مرحله مشخص انقلاب است. با آغاز عصر امپریالیسم و انقلابات رهائی بخش ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، عامل جدیدی در جهان بینی مارکسیستی انقلابات رهائی بخش وارد شد و آن توجه به خصلت دو گانه "بورژوازی ملی" و تاکید روی آن به عنوان یکی از نیرو های انقلاب به خاطر خصلت ضد امپریالیستی آن است.

لنین در سال ۱۹۱۲ نوشت که: "بورژوازی غرب که دیگر گورکن آن پرولتاریا در برابرش ایستاده است، پوسید. اما در آسیا هنوز بورژوازی ای هست که می‌تواند دمکراسی صادقانه و جنگاور و پیگیر را اقامه نماید. بورژوازی ای که رفیق برانزنده، مبلغین بزرگ و رجال بزرگ فرانسه اواخر سده هیجدهم است." (لنین، کلیات آثار، چاپ پنجم روسی، جلد ۲۱). و در مقاله: "اروپای عقب مانده و آسیای پیشرو" اشاره کرد که: "در آسیا همه جا جنبش دمکراتیک نیرومندی نشو و نما مییابد و بر وسعت دامنه آن افزوده می‌شود و مستحکم میگردد. در آنجا بورژوازی هنوز به اتفاق مردم بر ضد ارتجاع گام بر می‌دارد." (لنین، کلیات آثار، چاپ پنجم روسی، جلد ۲۳).

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید
بانک ملی ایران تهران - همه خیابان ایرانشهر شماره حساب ۴۵۳۸

است که آقایان آنرا سوسیالیست میدانند و بزرگترین خدمت را به پرولتاریای جهانی و

دارودسته کیانوری

می‌کند که نیروهای ملی گرای مترقی همراه با نیروهای اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی در مبارزه شرکت داشته و به طور فشرده و از نزدیک با این نیروها همکاری داشته و سهم به سزائی در مبارزه علیه امپریالیسم بازی کرده اند. در انقلاب اخیر نیز "وحدت بزرگ خلق" که از کلیه نیرو های ضد امپریالیست تشکیل شد یکی از اصلی ترین عوامل پیروزی انقلاب را تشکیل می‌داد.

"طرفداران سوسیالیسم علمی" چه کسانی هستند؟

کیانوری از خود و دار و دستهاش تحت عنوان "طرفداران سوسیالیسم علمی" نام می‌برد و طبیعی است که منظور او از "طرفداران سوسیالیسم علمی" که باید در "جبهه" ی پیشنهادهی شرکت نمایند نتوانند کسی جز افرادی از قماش خود او باشند. ماهیت این نیرو های به اصطلاح "طرفداران سوسیالیسم علمی" زمانی روشن تر می‌شود که کیانوری از یک نمونه برجسته آن یعنی دار و دسته وابسته به روس حاکم در افغانستان نام می‌برد. دار و دسته خائن امین که دستش تا آرنج به خون مسلمانان افغانستان آلوده است. کیانوری مدعی است که: "سیاست جدید" این دار و دسته در افغانستان "به تحکیم اتحاد نیروهای هوا دار سوسیالیسم علمی و نیروهای هوا دار اسلام کمک خواهد کرد" (مردم، شماره ۶۲، چهارشنبه ۱۸ مهر).

در حالی که این "سیاست جدید" دار و دسته خفیظ الله امین نوکر گوش به فرمان امپریالیسم روسیه چیزی نیست جز یک تغییر تاکتیک از طرف امپریالیسم شوروی برای منحرف کردن مسیر انقلاب خلق های افغانستان و نهایتاً سرکوب آن و به انقیاد کشیدن خلقهای مبارز آن کشور است. آقای کیانوری با این مثال "درخشان" از نمونهی افغانستان چند مسئله را برای مردم ما روشن می‌کند:

- ۱- "سوسیالیسم علمی" ایشان، همان تئوری انقیاد ملی با رنگ و لعاب "مارکسیستی" است.
- ۲- درجه صداقت مدافعین ایرانی امپریالیسم روسیه نسبت به جنبش اسلامی را در نمونهی افغانستان می‌توان دید که چطور دار و دسته امین، برادران هم کیش آقای

کیانوری ما به کشتار مسلمانان افغانستان می‌پردازند و بدین وسیله "اتحاد" و "حسن نیت" خود را نسبت به جنبش اسلامی افغانستان نشان می‌دهند.

۳- آینده‌ای که آقای کیانوری برای ایران در نظر دارد را می‌توان در نمونه افغانستان دید. یعنی اسارت ملی به دست امپریالیستهای روسیه، کشتار خلق و سرکوب جنبش اسلامی.

"انقلابیهای زیر پرچم اسلام" کیستند؟

ما با تقسیم بندی نیروهای اسلامی از طرف دار و دسته کمیته مرکزی به دو جناح: "راست گرای افراطی انحصار طلب" و "واقع بین"، آشنا هستیم. این تقسیم بندی بدون علت نیست. آن جناحی که مستقل و ضد "ابر قدرت امریکا و شوروی" است، به زعم این دار و دسته: "راست گرا، قشری و وابسته به امریکا" است. جناحی که نسبت به روسیه، مدارا جو، تسلیم طلب و منززل است، طبق تعریف آنها: "مترقی". واقع بین و ضد امپریالیست "است. و در واقع منظور کیانوری از "انقلابیهای زیر پرچم اسلام" هم کسی جز افرادی از همین قماش منززل و مدارا جو نمی‌باشند. چرا؟ برای اینکه:

اولاً - اسلام مبارز، اهل مدارا جوئی تسلیم طلبی و منززل در مقابل امپریالیستها. به ویژه امپریالیسم روسیه نیست و قاطعانه در برابر آن می‌ایستند. نمونه آن: موضع گیری صریح و قاطع امام خمینی در مواقع مختلف در مقابل این ابر قدرت امپریالیستی و موضع گیری بسیاری از رهبران دولت و انقلاب در این زمینه است.

ثانیاً - دار و دسته کیانوری از کار نیروهای اسلامی مبارز که بر علیه سوسیال امپریالیسم شوروی و سیاست تهاجمی آن موضع گرفته اند نا خشنود است و به آنها می‌تازد چند نمونه آن: اعتراض کیانوری به سخنرانی در وزارت خارجه، اعتراض به مقاله روزنامه مالک اشتر، و بمقاماتی در رهبری انقلاب و در دولت که بزرگم کیانوری: "جهت گیری های نادرستی" در مسائل مورد علاقه شوروی نظیر کردستان، افغانستان و غیره دارند. (مردم، شماره ۶۲، چهارشنبه ۱۸ مهر ماه ۱۳۵۸).

میهن پرست و آزاد می‌خواه است.

ماهیت "جبهه متحد خلق" کیانوری:

بنابراین مشاهده میکنیم که "جبهه" ای که کیانوری پیشنهاد می‌کند از یک طرف کسانی از قماش خود او و دار و دسته کمیته مرکزی و به طور کلی انقیاد طلبان طرفدار شوروی را در بر می‌گیرد. و از طرف دیگر آنچه را که او از آنها تحت عنوان "انقلابیهای زیر پرچم اسلام" نام می‌برد یعنی افراد مدارا جو، تسلیم طلب و منززل نسبت به شوروی را شامل می‌شود. و در این جبهه جایی برای نیروهای ملی، میهن پرست و استقلال طلب وجود ندارد. این با اصطلاح "جبهه"، ماهیتاً و از بنیاد با "اتحاد بزرگ ملی" متشکل از سه نیروی اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی، که وجه مشترک همه آنها میهن پرستی و استقلال خواهی است، تفاوت دارد و در واقع ابزاری است در خدمت هدفهای امپریالیستی ابر قدرت شوروی.

آنچه که به عنوان وظیفه مبرم و فوری در برابر نیروهای میهن پرست و استقلال خواه اعم از اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی قرار دارد این است که با پا فشاری روی ادامه مبارزه ضد امپریالیستی علیه هر دو ابر قدرت امریکا و شوروی، برای ایجاد وحدت فشرده میان خود، مبارزه کرده و توطئه جدید امپریالیسم روسیه برای ایجاد جبهه متحدی از نیرو های فرصت طلب، مدارا جو و خود فروخته را که توسط دار و دسته کمیته مرکزی در شرف تکوین است، نقش بر آب سازند.

دکتر یزدی

این موضع گیری صحیح و انقلابی وزیر امور خارجه درباره عامل اصلی خطر در خلیج فارس و دعوت به وحدت کشورهای منطقه برای مبارزه علیه آن، موضعی است درخور انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران و تأکیدی بر این اصل است که متصدیان امور باید همواره با عرضه حقایق به مردم و موضع گیری صریح، توده ها را برای مبارزه علیه هرگونه توطئه ابرقدرتها بسیج نمایند و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه را بر محور عدم وابستگی به دو ابر قدرت روس و امریکا و مبارزه مشترک کشورهای جهان سوم با آنها تنظیم نمایند.

رنجبر و خوانندگان



بسم اله الرحمن الرحيم

سر دبیر محترم ارگان مرکزی سازمان انقلابی (نشریه رنجبر)

احتراما بعرض میرساند

مکتب را به همانگونه که هست به توده بیاموزیم تا راه خدعه و انحراف و فریب و چپاول و غارتگری عده‌ای که خود را انقلابی اسلامی میدانند گرفته و مسدود شود.

بعرض میرساند چندی قبل مادر برادرم در غم از دست دادن پدرم به زیارت امام رضا به مشهد می‌آیند ناگهان برادر ۱۸ ساله‌ام در داخل صحن مفقود می‌شود و مادرم بعد از هشت ساعت سرگردانی با استمداد

گرفتن از مردم به کمیته مستقر داخل حرم مراجعه می‌کند که ناگهان برادرم را لخت و عور و گریان در حالیکه پشت خودش را از ناحیه گردن تا کمر که آثار ضربات شدید کابل سیمی توام با خونریزی شدید بوده نشان میدهد مادر پیرم با دیدن چنین صحنه‌ای برخورد می‌لرزد و بغض‌گلویش را می‌گیرد و آه و ناله و نفرین سر میدهد که افراد کمیته بایر حمی وشقاوت و فحشهای رکیک او را از کمیته بیرون می‌کنند برادرم را به سختی به مسافرخانه می‌برند و شروع به معالجه می‌کنند که یک هفته در بستر بیماری می‌افتد.

برادری که ۳ سال قبل از انقلاب و تا شروع و به پیروزی انقلاب با کتب و نوار مذهبی و در زمان تاسوعا و عاشورا با برادر دیگر مجسمه شاه مخلوع را در شهرستان سمنان به زیر کشیدند که از طرف ساواک تحت تعقیب می‌شود و ما جریم برادرم این بود که چرا با صدها زوار زن و مرد با قلبی پاک در غم از دست دادن پدر مشغول زیارت بوده افراد کمیته گفته‌اند سو نظری داشته است پس چرا شاکي در کار نبود؟

مادر محضر خدا و خلق حاضر به سوگند هستیم من از پیشگاه خدای بزرگ و امام هشتم و امام خمینی می‌خواهم این افراد را آگاه و آنها را به راه خدا و قرآن هدایت کند. که منافقین و دشمنان خدا و خلق می‌خواهند از اعمال اینان هزاران وصله ناجور و بهانه جوئی این حرکت ارتجاعی را بدین اسلام ربط دهند و اسلام راستین ما را در اذهان عمومی

شوروی...

شکست سختی از کماندوهای فلسطینی خورد و امپریالیستها دریافتند که با ادامه وضع موجود سیاست "نه صلح نه جنگ" که بزور به ملت عرب تحمیل کرده بودند تا زمینهای اشغالی در تصرف اسرائیل باقی بماند محکوم بفنا است. در نتیجه امپریالیستهای روسیه دوش بدوش سایر امپریالیستها به فحاشی به مبارزین فلسطینی مشغول شدند. مطبوعات روسیه از این پس به انقلابیون فلسطین عنوان "دستجات افراطی" دادند و مبارزات انقلابی آنها را "اعمال افراطی"، "غیر واقعی" و "ماجراجوئی بدون احساس مسئولیت" نامیدند. مطبوعات روسیه اعلام کردند که سازمان آزادیبخش فلسطین (الفتح) "خط مشی تروتسکیستی اتخاذ کرده است" (رجوع شود به مجله پکن ربویو شماره ۳۶، ۳ سپتامبر ۱۹۷۶) در سال ۱۳۴۸ یعنی در اوج عملیات مسلحانه انقلابی گروههای فلسطینی روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب رویزیونیستی شوروی نوشت "شرایط برای صلح و حل سیاسی مسائل خاورمیانه آماده است. عملیات چپ روانه، ماجراجویانه برخی جناحهای غیرمسئول باعث افزایش خطر جنگ در خاورمیانه گردیده... این اقدامات باید بلافاصله متوقف گردد." وقتی در سال ۱۳۴۹ راجرز وزیر امور خارجه امپریالیسم آمریکا طرح جدیدی برای خفه کردن جنبش فلسطین مطرح ساخت مطبوعات شوروی و از جمله پراودا با جنجال از آن حمایت کردند. مقاله پراودا در ۱۰ مرداد ۱۳۴۹ (اول اوت ۱۹۷۰) چاپ شد و سه روز بعد روزنامه الفتح ارگان مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین نوشت "پراودا بخود اجازه میدهد بهر طریق که مایل است هر کسی را که طرح راجرز را رد مینماید بدینا شننن مواضع منفی منمهم نموده و از او استفاده کنند... مسئله فلسطین تنها مربوط به ما است و هیچکس بجز ما حق ندارد در آن دخالت کند. هر کسی میخواهد موضع انترناسیونالیستی اتخاذ کند یا باید از پیشتیبانی کند یا خفه شود." روزنامه الفتح همچنین نوشت "قابل توجه است که شورای امنیت و چهار قدرت بزرگ (آمریکا، شوروی، انگلستان و فرانسه) هیچگاه مصوبه‌ای به اتفاق آراء نداشته‌اند مگر در مورد خلق فلسطین" (روزنامه الفتح - شماره ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۰).

اما این سیاست سازش دار و دسته برژنف کاسیکین با امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها برای خاموش کردن مبارزات خلق فلسطین در اوائل دهه ۱۳۵۰ بظاهرتغییر کرد. علیرغم کلیه کوششهای امپریالیستها در سرکوبی جنبش مسلحانه خلق فلسطین این جنبش همچنان ادامه یافته بود در حالیکه با افتنا شدن خیانت‌های دار و دسته برژنف - کاسیکین به ملت مصر، روسیه بسرعت نفوذ خود را در مصر از دست داده بود. در چنین شرایطی بود که رویزیونیستهای روسیه بناگهان بک چرخش کامل در سیاستشان نسبت بر انقلاب فلسطین انجام دادند. آنها اعلام کردند که اتحاد شوروی "قابل اتکاءترین متحد طبیعی" خلق فلسطین و خلق عرب است. دولت شوروی بناگهان مشغول ارسال اسلحه برای کماندوهای فلسطینی شد. واضح است که هدف سوسیال - امپریالیستها از اینکار کوشش برای قریب دادن خلق فلسطین و منحرف ساختن جنبش فلسطین از مسیر اصلیش بود. حالا که آنها قدرت کافی برای رقابت با آمریکا در سطح جهان یافته بودند سعی میکردند تا از نیروئی که با ریخته شدن خون هزاران زن و مرد فلسطینی ایجاد شده بود بشف خود و بمنظور توسعه نفوذ خود در خاورمیانه استفاده کنند آقای لئوتولکونف سردبیر روزنامه ایزوستیا در مقاله‌ای که در تابستان ۱۳۵۲ (ژوئیه ۱۹۷۴) چاپ نمود. بدون هیچگونه پرده پوشی اعلام کرد که جنبش فلسطین باید یک "هدف تاکتیکی" داشته باشد و آن "حل عادلانه مسئله خاور نزدیک" است. یعنی جنبش فلسطین در واقع وجه المصالحه پیشبرده اهداف توسعه طلبانه سوسیال - امپریالیستها در خاور نزدیک باید باشد.

اما سوسیال - امپریالیستهای روسیه در اینجا هم هیچوقت نتوانستند دست از دو دوزبازیهای خود بردارند. مثلا "هم زمان با ارسال اسلحه به فلسطین چندین برابر این اسلحه را به شکل اعتبار نظامی در اختیار دوست نزدیک اسرائیل و دشمن قسم خورده خلق فلسطین یعنی شاه خائن ایران قرار میدادند (یک قلم آن ۱۱۰ میلیون دلار) و با اینکه هم زمان با کمک به جنبش فلسطین با فرستادن افراد جوان و تحصیل کرده اقلیت یهودی شوروی به اسرائیل عملا "به سرعت مشغول تقویت نیروهای نظامی اسرائیل بودند، مثلا" در پاییز سال ۱۳۵۰ معاون وزیر داخله شوروی برای بستن دهان هواداران جنبش فلسطینی تضمین نمود که فقط یهودیانی میتوانند از شوروی به اسرائیل مهاجرت کنند که امکان تقویت سیاسی و نظامی اسرائیل را نداشته باشند "طبق آمار بدست آمده حالا ۳ درصد مهاجران روسیه کمتر از ۳۰ سال دارند. ۴۰ درصد آنها آکادمیسین هستند و یا تکنیسین ماهر و از نظر تعداد نیز طبق آمار رسمی تعداد کسانی که رسماً از طرف دولت روسیه به اسرائیل فرستاده شده‌اند در سال ۱۳۵۰، ۱۵ هزار نفر، در سال ۱۳۵۱، ۳۵ هزار نفر و در سال ۱۹۵۲، چهل هزار مهاجر هست. بقول سید نوفال معاون دبیرکل شورای جمعیت عربی سازمان آزادیبخش فلسطین: "هر مهاجرتی به اسرائیل در حقیقت استحکام

میشود روشن نگردد در چرخهای اجتماع و اقتصاد بگردش لازم نخواهد افتاد.

۱- از سه نیروی مذهبیون مبارز، ملیون مترقی و کمونیستهای اصیل به چه نسبت در دولت و ارگانهای قدرت و مواضع تصمیم گیری حضور دارند؟ و آیا باین موضوع دولت توجه دارد یا نه؟

۲- نظریه حکومت اسلامی در مورد مالکیت بر ابزار تولید و بخصوص زمین زراعی چیست؟ و مرز مالکیت مشروع سرمایه داری ملی در مقطع فعلی کدامست؟

باید توجه داشت که با حفظ روابط شدید استثماری و حاکمیت مطلق سرمایه اگر بفرض ۸۰ درصد منابع اقتصادی (ملی) اعلام شود، آن ۲۰ درصد خصوصی تمام منافع و امکانات را بسوی خود جلب خواهد کرد و زیانها و اشکالات را به بخش دولتی (یا ملی) پاس خواهد داد.

در مورد مالکیت زمین زراعی که امروز حتی به مساله سیاسی در کشورما تبدیل شده، باید بلا درنگ زمین از آن زارعی که روی آن کار میکند اعلام شود و دست فئودالها با قوه قهریه دولت و شوراها اصیل دهقانی بکلی قطع گردد.

در مورد مالکینی که سرمایه‌گذاری مدرن و ماشین آلات و غیره در زمین های مجزا دارند و وابسته به رژیم آمریکائی شاه مخلوع نبوده‌اند و واقعا "بطور فرمالیته کشاورزی و تولید را اداره میکنند باید شورای کارگران همان مزرعه در مدیریت مشارکت داشته باشند تا مواد غذایی و صنعتی کشاورزی بطور بنیانی و بصورت تولید انبوه بمنظور قطع وابستگی از خارجه گسترش یابد.

در حالی که آقای وزیر کشاورزی علنا از فئودالیسم دفاع می‌کند و عده‌ای در گوشه و کنار زرمه میکنند که تقسیم اراضی سال ۴۱ به بعد (بیع مکره) و از نظر شرعی حرام و بزور بوده و باید املاک برگردانده شود! ملت انتظار دارد که در رژیم انقلابی نواقص (اصلاحات ارضی) تکمیل گردد نه اینکه آن هم ملغی شود.

۳- با آنکه ممنوعیت نشریات مزدور مورد تأکید ملت هست ولی نشریاتی هم وجود داشت که ارگان گروههای سیاسی کمونیست بود که تعطیل شد و این از نظر ترقی خواهان و دمکراتهای واقعی بسیار جای تاسف است. ما از دولت می‌پرسیم که اگر طبق بیانات مؤکد و مکرر حضرت امام خمینی به آزادی افکار، مذهب، نشریات، گمراه‌ها،

* در شماره گذشته سه نام از کردستان منتشر کردیم و پاسخی سیاسی به آنها دادیم. در نامه‌ها چند بر حسب مطرح شده بودند که در این شماره به آنها جواب می‌گوئیم. - یکی از نویسندگان نامه‌ها، "رنجبر" را "سازشکار" می‌خواند و این سازشکاری را در پیشتیبانی ما از امام خمینی و دولت بازگان می‌بیند.

مسئله در این است که چه کسی دوست و چه کسی دشمن انقلاب است؟ به نظر ما امام، دولت و به طور کلی جنبش اسلام مبارز ضد امپریالیست و جزء دوستان انقلاب اند و سیاست پیشتیبانی از آنان سازشکاری نیست بلکه حمایت از جبهه دوستان انقلاب علیه دشمنان آن است. ما معتقدیم این در واقع چپ نماها هستند که سیاست سازشکارانه نسبت به امپریالیسم روسیه دارند و با دار و دسته وابسته قاسملو سازش کرده‌اند و با دوستان انقلاب به مبارزه برخاسته‌اند.

- دو نفر از نویسندگان در نامه‌هایشان بر حسب "وابسته به چین" را طرح میکنند. ما از حزب توده و کمیته مرکزی آن بریدیم و جدا شدیم درست به خاطر اینکه وابسته بود و در خدمت ابر قدرت شوروی کار می‌کرد. با اینکه بین چین و روسیه تفاوت ماهوی است، چین سوسیالیستی در موضع دفاع از آزادی خلقی های سراسر جهان ایستاده و قاطعانه علیه تهاجم ابر قدرت‌ها به ویژه شوروی مقاومت می‌کند و ما چین را جزو کشورهای جهان سوم میدانیم و معتقدیم ایران باید با جهان سومی‌ها متحد شود، اما سیاست ما اتکاء به نیروی مردم ایران - در کلیه زمینه‌ها چه مادی و چه معنوی است. ما در ارزیابی و بر خورد به رژیم شاه با چین اختلاف داشتیم و نظرات خود را آشکارا در نشریات خود بیان نمودیم، چنانچه ما وابسته به چین می‌بودیم، علی القاعده به رسم حزب توده می‌بایستی دنبال سیاست چین می‌رفتیم، به رژیم شاه "مستقل و ملی" می‌گفتیم و آمدن هواکوفنگ را به ایران خوش آمد می‌گفتیم. ما بر عکس عمل کردیم، نوشتیم و توضیح دادیم شاه وابسته است و ضد ملی و ضد خلقی است تأکید کردیم که باید برانداخته شود و جنبش علیه رژیم شاه به رهبری امام خمینی ملی و استقلال خواه می‌باشد و باید از آن دفاع گردد و به هنگام آمدن هواکوفنگ به ایران

علیه رژیم شاه به رهبری امام خمینی ملی و استقلال خواه می باشد و باید از آن دفاع گردد و به هنگام آمدن هواکوفنگ به ایران نادرستی این سفر را در هنگامی که خلقهای مبین مان آخرین نبردهای انقلابی را تدارک می دیدند و سراسر ایران را موج بزرگ انقلابی فرا گرفته بود، گوشزد نمودیم .
ما معتقدیم انقلابیون ایران باید از نظر مادی و معنوی به خود و به توده های خلق تکیه کنند و با مفر خود بیاندیشند .
خلق کرد نیز باید جنبش رهائی بخش خود را به دور از وابستگی و تکیه به امپریالیستها و در وحدت با سایر خلقهای ایران به جلو ببرد .

سر دبیر هفته نامه رنجبر

احتراما ضمن تأیید نظریه شما راجع به اتحاد بزرگ ملی و خط مشی مستقل از ابر قدرت های جهانخوار، چند سؤال از دولت دارم و خواهشمندم با مطرح کردن این چند سؤال نظر هم میهنان را به عمده ترین مسائلی که جامعه ما درگیر آن است جلب فرمائید زیرا تا چند موضوعی که ذیلا اشاره

ما از دولت می پرسیم که اگر طبق بیانات مؤکد و مکرر حضرت امام خمینی به آزادی افکار معتقد است، از نشریات گروه های کمونیست اصیل و مستقل رفع توقیف به عمل آید و این تقاضا با توجه به آزادی نشریات عوامل مسکو بسیار مشروع و موجه است .
در شرایطی که نشریات غیر مسئول و ارتجاعی و محرک و فتنه گر نیز کمابیش موجود است ممنوعیت نشریات مترقی و مستقل مصداق گفتار سعدی است که (سنگ را گشادن و سنگ را بستن) .

۴- گروه پان ایرانیست و گروه حزب توحیدی (آیت الله روحانی) و گروه اسلامیک (دکتر سیف الدین نبوی و سید عبدالرضا حجازی) راجع به بحرین مطالبی اظهار کرده اند که متقابلا " از طرف پان عربیست ها و شیوخ خلیج فارس و بعث عراق اظهارات و تحریکاتی علیه دولت نو پای انقلاب ما بعمل می آید . در این مورد و موارد مشابه آیا نباید مردم و دولت هشیار باشند؟ و همان احتیاطی که راجع به نشریات مترقی بعمل آمده یک دهم آن علیه اظهارات بی مسئولیت بعمل می آید؟

با احترامات فائقه عطاء الله جعفری

اعمال اینان هزاران جاجور و بهمن جوئی این حرکت ارتجاعی را بدین اسلام ربط دهند و اسلام راستین ما را در اذهان عمومی بد معرفی کنند آیا اعمال این افراد کمیته مرگ تدریجی و فکر و روح او را در بر نخواهد داشت .

مگر چه گناهی کرده بود؟ چرا شاکي نداشت پس با شکنجه گاه در خیمان ضد خلقی چه تفاوت . امیدوارم اسلام اصیل را از تجاوزات و تحریف و مسخ و سوء استفاده مصون بداریم و آنرا واقعی معرفی نمائیم از مسئولین امر استدعا می کنم در اسرع وقت رسیدگی و اقدام لازم بعمل آید .
با تقدیم احترام - غلامرضا نیکو

- رونوشت (گیرندگان)
۱- قم (دفتر امام خمینی)
۲- تهران (دفتر اطلاعات)
۳- تهران (دادستان کل انقلاب اسلامی)
۴- مشهد (استانداری استان خراسان)
۵- تهران (مجله جوانان - سنگ صبور)

تحصن کارگران

محمد رضا یکی از نمایندگان کارگران بیکار میگفت:

من قبلا در تهران کار می کردم و مدت دو سال است که بهرشت آمده ام و چند ماه پیش در شرکت "شدهاره" واقع در جاده انزلی کار می کردم که بعد از دو ماه ما را بیرون کردند. ما همیشه به اداره نیروی انسانی برای کاریابی مراجعه می کردیم و تعداد ما بیکاران زیاد بود. حال چون نتیجه ای نگرفته ایم از امروز تحصن کرده ایم و خواستار شده ایم که آقای استاندار بمیان ما بیایند و به خواستهایمان پاسخ گویند.
رئیس اداره نیروی انسانی گفت من رئیس اداره کار را می بینم ولی ما گفتیم نه، استاندار را می خواهم و خلاصه بعد از مدتی نماینده استاندار آمدند. کارگران از زمین خودشان ۵ نماینده انتخاب کردند تا بتوانند از خواستهایشان دفاع کنند. در این ضمن از پاسداران

وژاندارم می هم آمده بودند ولی هیچ گونه درگیری بین ما بوجود نیا مد چون دیدند که خواستهای ما بحق است و ما نمیخواهیم در امر مملکت اخلال بکنیم .
آقای نماینده استاندار گفت چه کاری میتوانم برای شما انجام بدهم ، ما گفتیم کار می خواهم و ما بیکاران که امروزه در حدود ۶۷۰ نفر هستیم اداره نیروی انسانی بین کارخانجات و شرکتهای تقسیم کند، ولی تا بحال کاری برایمان انجام نداده اند .

آقای نماینده استاندار از کارفرمایان تمام کارخانه ها دعوت کرد که تا ساعت ۱۰ صبح بکشنبه ۲۲ مهر به استانداری بیایند تا در این باره با آنها صحبت بشود و ما هم امروز از اداره نیروی انسانی بطرف استانداری با نظم و ترتیب راه پیمائی خواهیم کرد پای صحبت خواهر کارگری نشستم او میگفت:

آقا ما بیکار هستیم و قصد ما از این راه پیمائی اینست که دولت بما کار بدهد. ما را دارنده استشار می کنند و بعضی از این سرمایه دارها بگذارند و فقط ب فکر خود نیا شدند کشور ما ترقی خواهد کرد و دیگر گرسنگی نمی کشیم .
با کارگری صحبت کردیم. او میگفت: من قبلا در تهران کار می کردم و راننده بولدوزر بودم شرکت "راسا" ما را بیرون کرد و شش ماه است که بیکارم . دولت باید بما کار بدهد تا ما بتوانیم بگذرد مملکت ما بخوریم ، پارتی بازی نشود . من خجالت میکشم وقتی نمیتوانم خرج زن و بچه ام را بدهم در طول راه پیمائی کارگران عکس امام خمینی را حمل می کردند و دو شعاری هم نوشته بودند که آنرا با خود می بردند. شعاری بدین قرار بود ما کارگران بیکار تا رسیدن به خواستهای بحقمان تحصن اختیار می کنیم .

شاعرهای شفا هی که کارگران در طول راه پیمائی میدادند عبارت بودند از:

جنگیدیم ، خون دادیم ، اما هنوز بیکاریم
کار برای همه ، مسکن برای همه
گرانی، بیکاری، نا بودیاید گردد
کار، کار، تنهات راه علاج است
کار، کار، حق مسلم ما ست
بیکاری، گرانی، غم مله رفسا داست

جنبش کارگران بیکار رنجبش
بحق است و کار کردن حق هر کارگر است . بیکاری کنونی نتیجه ورشکستگی اقتصاد وابسته به امپریالیسم است که از رژیم طاغوت به ارث رسیده . تنهات راه از بین بردن بیکاری هم قطع این وابستگی به خارج و رشد تولید ملی هم راه با رفاه کارگران است و در این فاصله دولت موظف است طرح بیمه بیکاری را تصویب و به اجرا در آورد تا زندگی حداقلی برای کارگران بیکار تا مین شود .

در عین حال کارگران مین پرست و شریف با یستی در مقابل اخلال عوامل چپ نما که سعی میکنند مشکلات کارگران سوء استفاده کرده و جنبش بحق آنان را بصورت حرکتی ضد دولتی در آورند هوشیار باشند و این عنا صرا را مورد انتقاد ، اصلاح قرارداد و در صورت ادا ما اخلال آنها را از صفوف خود طرد نمایند .

کار برای کارگران بیکار
بیمه بیکاری تا زمان اشتغال
متحد با انقلاب برای رشد تولید ملی
چپ نمای فرصت طلب خارج از صف

روسیه به سرانین عرس ده سده در سال ۱۳۵۰، هزار نفر، در سال ۱۳۵۱، ۳۲۵ هزار نفر و در سال ۱۹۵۲، چهل هزار مهاجر هست . بقول سید نوفال معاون دبیرکل شورای جمعیت عربی سازمان آزادیبخش فلسطین: " هر مهاجرتی به اسرائیل در حقیقت استحکام تجاوز اسرائیل بر ضد اعراب است (نقل از سخنرانی او در ۴ مارس ۱۹۷۲) و بگفته محمود خالیدی رئیس دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین " فرقی بین مهاجرین شوروی که به اسرائیل می آیند و مهمات و کمکهای اقتصادی آمریکا نمی باشد .
این تنها یک نمونه است از سیاست زورانه و دورویانه امپریالیستهای روس که هدفی جز راه گشائی برای چپاول هر چه بیشتر خلقهای جهان ندارد .
ما در شماره های آینده به نمونه های دیگری از عملکرد این امپریالیسم نوپا در سایر کشورهای جهان خواهیم پرداخت .

بانک روسی

حزب کمونیست فرانسه که تیراز بسیار کمی دارد نقش بسیار حساس و مهمی بازی میکند . این اطلاعات دو سوال را برای ما مطرح میکند . اول اینکه یک بانک روسی در فرانسه آیا جز به جمع آوری سود و در نهایت استثمار کارگران فرانسوی کار دیگری هم میتواند انجام دهد؟ دوم اینکه حزب کمونیست فرانسه که مرگ و زندگی روزنامه ها و انتشاراتش بسته به کمک یک بانک روسی است آیا میتواند ادعای مستقل بودن از شوروی را بکند؟

جواب سوالهای بالا کاملا " روشن است، یکی از ابزارهای کشورهای امپریالیستی برای استثمار خلقهای جهان بانکها هستند و روسیه هم از این امر مستثنی نیست . دیگر اینکه روسیه امپریالیستی از طریق احزابی مثل حزب کمونیست فرانسه (برادر تنی حزب توده ایران) میتواند زمینه ای برای رخنه و نفوذ و سلطه جویی ایجاد کند . بدیهی است که بر سر حزب کمونیست فرانسه همان خواهد آمد که بر سر برادرتی اش یعنی رسوا شدن و مورد نفرت زحمتکشان قرار گرفتن .

هفته نامه



ارگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیرمسئول - علی حجت
سر دبیر - فرامرز وزیری
نشانی: خیابان مصدق، پائین تر
از میدان ولی عصر، خیابان زمرد
پلاک ۷ تلفن: ۶۴۲۹۱۴
نشانی پستی: تهران، صندوق
پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴
چاپ سکه

جلوگیری از فعالیت انقلابی به نفع کیست؟

تا کنون دو بار دفتر سازمان انقلابی در سنندج از طرف پاسداران مستقر در این شهر مورد حمله قرار گرفته و مسئول دفتر و برخی از طرفداران سازمان دستگیر و چند روزی را در زندان بسر برده‌اند. با آنکه هر بار با روشن شدن اینکس فعالیت این افراد تنها در جهت تقویت انقلاب بوده، آنها آزاد شده‌اند، ولی در نوبت دوم ضمن ضبط دفتر سازمان، اجازه هرگونه فعالیت سیاسی حتی پخش اعلامیه از سازمان انقلابی در کردستان سلب گردیده است.

کسانی که این دستور را دادند، در مقابل اعتراض مسئولین سازمان بعد از اینکه از شاخه‌ای به شاخه دیگر پرپرند، بالاخره گفتند که چون این منطقه بحرانی و جنگی است هیچکس نباید فعالیت سیاسی بکند. آیا این استدلال درست است؟ به نظر ما این تصمیم بسیار غلط بوده و جز ضربه زدن به نیروهای انقلاب و خوشحالی و گستاخی بیشتر دشمن نتیجه دیگری ندارد.

هیچگاه سلب آزادی‌های مردم و نیروهای سیاسی متعلق به خلق راه درستی برای ایجاد نظم انقلابی و جلوگیری از فعالیت‌های ضد انقلاب و اخلا لگران نبوده است. با محدود کردن آزادیها دولت و حاکمین خود را از توده‌های مردم و نیروهای سیاسی جدا می کنند و به رشد زمینه‌های مساعد اخلا ل گریهای ضد انقلابی کمک می‌رسانند. در همین کردستان مسئولین و کمینه‌ها و سپاه پاسداران باید متوجه‌اند درست بودن این سیاست شده باشند. آیا هنوز مقامات حاکم می خواهند بر این اشتباه

بقیه در صفحه ۴

خلبانان ویتنامی در عراق

در این گفتگوها دولت عراق نگرانی خود را از درگیر شدن ارتش و نیروی هوایی این کشور در چند جبهه ابراز داشته و از اینکه نیروی ذخیره آنها که باید علیه اسرائیل نگهداری شود، در این درگیریهاست اظهار نگرانی نموده‌اند. روسها تقاضای خیر الله را درباره ارسال خلبانان جنگی قبول نموده و قول داده‌اند که این خلبانان را از بلوک شرق برایشان تامین نمایند.

در ۲۱ سپتامبر "په‌ام‌وان‌دونگ" نخست وزیر ویتنام برای دیداری سه روزه به مسکو مسافرت نمود. یکی از مسائلی را که روسها با او در میان گذاشتند، امکان فرستادن خلبانان افغانی و ویتنامی به خاور میانه بوده است. همچنین روسها به په‌ام‌وان‌دونگ گفته‌اند که عراقیها بابت این اقدام ویتنام مبلغ قابل توجهی خواهند پرداخت.

پیرو این مذاکرات، در ۲۴ سپتامبر په‌ام‌وان‌دونگ، بدون برنامه قبلی، از مسکو به بغداد پرواز میکند و در سه روز اقامت خود، از پایگاه‌های هوایی این کشور بازدید نموده و در این باز دید موافقت میکند که ۷۵ خلبان ویتنامی را در عرض یکسال به عراق بفرستد و دولت عراق نیز ۷۰ میلیون دلار بعنوان قرض به ویتنام میپردازد. (روشن است که این قرض هرگز باز پرداخت نخواهد شد).

هم اکنون یک هیئت نظامی عراق از مسکو دیدن میکند. زمانی که این خبر را در کنار حملات هوایی عراق به مرزهای ایران میگذاریم متوجه می‌شویم که روسها برای گسترش نفوذ خود در منطقه و تهدید کشورهای مستقل این خطه از تمام امکانات خود استفاده میکنند. آنها با وابسته نمودن رژیم‌هایی چون عراق به جنگ افزارهای خود و فرستادن خلبانان ویتنامی تدارک تهاجم جدیدی را علیه استقلال کشورهای منطقه سازمان داده و باین ترتیب جبهه‌ای را علیه ایران تقویت میکنند.

هواپیمای میگ روسی، خلبانان مزدور ویتنامی نتیجه‌اش بمباران بیشتر دهکده‌های ایران است.

در تاریخ سوم اکتبر ۱۹۷۹ در بولتن "گزارش خارجی" منتشره از طرف روزنامه اکونومیست انگلستان خبری درج گردیده که یرده از توطئه‌های نظامی ابر قدرت روس در خاورمیانه برمیدارد. طبق این خبربایستی منتظر خلبانان ویتنامی در این منطقه باشیم. این مقاله تحت عنوان "خلبانان ویتنامی برای عراق" میگوید:

زمانی که الکسی کاسیگین نخست وزیر شوروی از یم جنوبی بازدید مینمود یک هیئت عراقی به سرپرستی وزیر دفاع بنام ژنرال عدنان خیرالله نیز به این کشور رفته و با نخست وزیر شوروی ملاقات و گفتگو نمود.

مقدم ابو جهاد گرامی باد

ابو جهاد، یکی از رهبران جنبش فلسطین، هفته پیش میهمان انقلاب ما بود. او در مراسم نماز جمعه شرکت کرد و برای مردم ما سخنانی ایراد نمود. ابو جهاد از جمله رهبرانی است که همیشه بر استقلال جنبش فلسطین تاکید ورزیده است. او با هر گونه مدارا جوئی و اتسکا به نیروهای امپریالیستی مخالفت کرده و راه آزادی فلسطین را تنها و تنها با اتکا به نیروی خلق فلسطین میسر دانسته است.

این ویژگی ابو جهاد از آن جهت برجسته است که جنبش فلسطین همواره از سوی عوامل منززلزل و هوا دار جویی با

امپریالیستها و به ویژه سوسیال امپریالیسم شوروی تهدید می‌شده. امپریالیستها و به ویژه عوامل دو ابر قدرت همیشه سعی در به سازش کشیدن و منحرف نمودن حرکت خلق فلسطین داشته‌اند. امپریالیسم امریکایی پیوسته سعی نموده‌با سربوب و با دادن امتیازهایی این جنبش را با صهیونیسم به سازش بکشد. سوسیال امپریالیسم شوروی نیز با وقاحت تمام سعی داشته تا این جنبش را بوسیله‌ای برای سیاستهای توسعه طلبانه خود در منطقه تبدیل کند.

سوسیال امپریالیسم شوروی بنا به ماهیتش، امروزه منافعش با بوجود آمدن کانونهای جنگ و آشوبهای منطقه‌ای هماهنگی دارد. سوسیال امپریالیسم سعی دارد با نفوذ در رهبری جنبش‌های ستم‌دیدگان، جنگهای عادلانه خلقها را به وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به مطامع و منافع خود بدل کند. تجربه ویتنام، آنگولا، ظفار و... شاهد خوبی است بر این مدعا.

شوروی: کشور امپریالیستی

شوروی و انقلاب جهانی (۳)

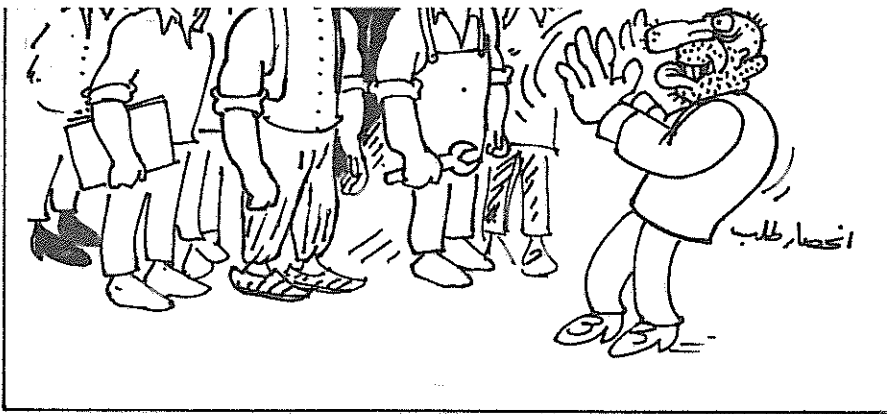
فلسطین

جنبش خلق فلسطین با آغاز مبارزات مسلحانه در سال ۱۳۴۴ وارد مرحله نوبینی شد. گروههای جدیدی از جوانان فلسطینی که بتازگی سازمان یافته و در کشورهای دوست فلسطین از جمله در مصر عبدالناصر تعلیمات نظامی یافته بودند بسرعت مشغول تدارک یک جنگ چریکی وسیع علیه اشغالگران اسرائیلی شدند. این موضوع باعث سادی کلیه انقلابیون جهان شد و سازمانهای انقلابی در سرتاسر دنیا باین پدیده نوین انقلاب جهانی با شور و شغف فراوانی برخورد کردند. اما شوروی که در آن زمان میرفت تا جای پائی برای خود در میان امپریالیستهای غارتگر بیابد باین موضوع علاقه‌ای نداشت. آنچه که برای دار و دسته خائن برژنف - کاسیگین مطرح بود مصالحه هر چه بیشتر با ایالات متحده یعنی مقتدرترین امپریالیسم جهانی بود تا از این امپریالیسم جهان‌نخوار اجازه بگیرد و راهی به میدان غارتگری خلقهای جهان بیابد. بهمین دلیل هم بود که وقتی در سال ۱۳۴۶ بر سر مسئله فلسطین بین مصر عبدالناصر و بعضی کشورهای عربی دیگر از یکطرف و اسرائیل از طرف دیگر جنگ در گرفت اتحاد شوروی به عوض حمایت از جنبش فلسطین و ارتشهای ضد اسرائیل، با امپریالیستهای دیگر متحد شد تا باصطلاح "آتش بس" برقرار کند و "صلح" را به خاورمیانه بازگرداند. اسرائیل بخاطر کمکهای وسیع آمریکا و خیانتهای دار و دسته برژنف کاسیگین که خود را دوست خلق عرب معرفی کرده بودند ولی در موقع احتیاج از ترس درگیری با امپریالیسم آمریکا اعراب را تنها گذاشته بودند پیروزی نظامی بزرگی بدست آورد. سرزمینهای وسیع جدیدی از جمله نوار غزه و بخش وسیع دیگر فلسطین که قبلا "زیر تسلط پادشاه اردن بود باضافه صحرای سینا بتصرف اسرائیل درآمد. سازمان ملل متحد که در آن وقت هنوز تحت کنترل آمریکا بود در ۲۲ نوامبر ۱۹۴۷ (۱۳۴۶) قطعنامه‌ای بتصویب رسانید. در طی آن خواستار "قطع هرگونه اعلام جنگ و هرگونه وضعیت جنگی و در عین حال احترام به حاکمیت و برسمیت شناختن تمامیت ارضی و استقلال سیاسی تمام دول این منطقه و حقوق آنها که بموجب آن در محدوده مرزهای رسمی ومطمئن‌آزاد از هرگونه تهدید و توسل بزور در صلح زندگی کنند". منظور از این قطعنامه چه بود؟ اولاً "اینکه" تمام دول "این منطقه یعنی کشورهای عربی وکشوریکه صهیونیستها با اشغال فلسطین از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) تحت عنوان "اسرائیل" بوجود آورده بودند دارای "مرزهای رسمی و مطمئن" باشند. یعنی فلسطینی‌ها که بضرر سر نیزه امپریالیستها و صهیونیستها از میهن خود اخراج شده بودند، کشور ساخته و پرداخته امپریالیسم یعنی اسرائیل را برسمیت بشناسند. ودوم اینکه از "توسل بزور" اجتناب شود و همدرد "صلح" زندگی کنند یعنی اینکه مبارزات مسلحانه‌ایکه خلق فلسطین از سال ۱۳۴۴ علیه اشغالگران اسرائیلی آغاز کرده بودند قطع شود. در ازای این دو امتیاز بزرگ که قطعنامه به اسرائیل میداد خواستار میشد که اسرائیل زمینهایی را که بتازگی غصب کرده بود به اردن و مصر پس دهد. این قطعنامه که به قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت معروف است، با پشتیبانی قاطع شوروی به تصویب رسید از آن پس راه حل محبوب روسها برای "مسئله" فلسطین شد. در این قطعنامه نه تنها تجاوز اسرائیل محکوم نمیشد بلکه خلق فلسطین با عبارت "آوارگان فلسطینی" توصیف شده بود و باین طریق حقوق ملی خلق فلسطین بکلی مردود شناخته میشد. سازمان آزادیبخش فلسطین این قطعنامه مزورانه را مکرراً مردود شناخت و از جمله اعلام کرد. "اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که اسرائیل را توسط مذاکرات برسمیت میشناسد بدین مفهوم است که کشورهای عربی از نظریه خودشان مبنی بر عدم مذاکره با دولت اسرائیل صرفنظر نمایند. و این در عین حال بدین مفهوم است که خلقهای عرب و فلسطین از حقوق زندگی در وطن خویش فلسطین سرانجام صرف نظر نمایند... بنام خلق فلسطین کمیته مرکزی جنبش آزادیبخش فلسطین هدف نبرد خویش را بازگو کرده و اعلام میدارد که خلق فلسطین قطعنامه شورای امنیت و تمام اشکال و نظرات راجع به تحقق در آوردن این قطعنامه را رد مینماید" (رجوع شود



هدف نبرد خویش را بازگو کرده و اعلام میدارد که خلق فلسطین قطعنامه شورای امنیت و تمام اشکال و نظرات راجع به تحقق در آوردن این قطعنامه را رد مینماید " (رجوع شود به اعلامیه رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین بتاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۰) .
 اما خلق فلسطین بیدی نبود که از این بادها بترسد بعد از شکست دولت‌های عربی خلق فلسطین با شدت هر چه بیشتر عملیات کماندوتی ، خود علیه اسرائیل ادامه داد . طولی نکشید که ارتش اسرائیل در حمله به یکی از پایگاههای فلسطینیها در خاک اردن بقیه در صفحه ۲

کند . تجربه ویتنام ، آنگولا ، قمار و ... شاهد خوبی است برای مدعا .
 این حقیقت برای تمامی خلقهای جهان و به ویژه خلق فلسطین هر روز روشن تر می شود که هیچ جنبش حق طلبانه ای نمیتواند بدون مبارزه علیه دو ابر قدرت آمریکا و بقیه در صفحه ۲



علت شکست انتخابات شوراهای چه بود؟

با لایحه انتخابات شوراهای محدود مدوینجا شهر برگزار شد . نحوه برگزاری این انتخابات ، از تدارک آن تا اعلام نتایج ، چنان بود که گویا مسئولین رسمی و غیر رسمی میخواهند خود را از شر چیزی که بآنان تحمیل شده راحت کنند . اما نتیجه اش چه شد؟ دیدیم که با انجام چنین انتخاباتی مسئولین نه تنها " راحت تر

نشدند بلکه بر مشکلاتشان افزود شد . بنظر میرسد گردانندگان امور اگر عاقل باشند باید از مردم پوزش بخواهند و همه چیز را از اول شروع کنند . چرا ؟
 انتخاباتی که میبایست زمینه ای با شد برای بسیج مردم ، وحدت فشرده تر آنها و شکوفاشدن شرکت و فعالیت آنان در امور جامعه ، بعلاوه انحمارطلبی ،

فرقه گرائی و عدم احساس مسئولیت در مقابل مردم ، بعکس خودتبدیل شد و بصورت وسیله ای برای پائین آوردن شور و شوق انقلابی مردم ، پراکندن و تفرقه اندازی میان آنها ، رشد فرقه گرائی میان نیروهای سیاسی و با لایحه یژمردن محیط دمکراتیک برای شرکت مردم در امور جامعه درآمد .

فکر میکنیم لزومی ندارد خیرها و وقایع چگونگی انتخابات در شهرهای مختلف را با زگوکنیم . روزنامه ها و نشریات هفته پراز حوادث و مسائل انتخابات بود . وزیر کشور هم در سخنرانی خود از رادیو تلویزیون به شرکت نکردن مردم و بعضی اشکالات دیگر اشاره کرد . اختلافات و حتی درگیری نیروها ، حذف کاندیداها بدون ضوابط سیاسی اعلان شده ، کناره گیری نیروهای سیاسی اقلیت تحت فشار انحمارطلبی و تحریم نیروهای اکثریت در هر حاکم اوضاع را چندان مطلوب تنگ نظریه های خود نمیدیدند و بسیاری مسائل دیگر از این قبیل در اکثر شهرها اتفاق افتاد .

اسامی رشت ، رودسر ، خلخال زاهدان ، مرودشت ، لنگرود ، و ... در صدراخبار است و از بسیاری شهرهای دیگر هم خبرها می در همین حدود از ناراضی مردم از انتخابات میرسد .

چرا انتخابات شوراهای شهر این چنین برگزار شد؟
 در زمان طاغوت مرسوم بود که بقیه در صفحه ۲

انتخابات شوراهای شهر در گیلان

در مورد انتخابات شورای شهر رشت

گیلان در حضور آقای احسان بخش نماینده امام تقبل نمود که کاندید شدن آقای رضانی را از تلویزیون اعلام نماید . و جمع کنندگان خوشحال منفرق شدند . ولی بعد از چند ساعت طبق خبری که بعداً شنیدیم معلوم شد دوباره بین چند کاندیدای دیگر با هیئت نظارت درگیری بوجود آمده و بعد از گفتگوی تنیدی که بین آنها شده و چند کاندیدای دیگر هم به طرفداری از آقای رضانی برخاسته اند و بالاخره استعفاء میدهند و هیئت نظارت علی البذل تا پایان انتخابات وظائف نظارت بر انتخابات شورای شهر را به پیش می برند . در این انتخابات حزب توده هم شرکت کرده ولی از ترس توده ها وابستگی حزبی کاندیدای خود را اعلام ننمود .

انتخابات شورای شهر رودسر

* مردم نمایندگان دار و دسته کیانوری را طرد کردند .
 * انتخابات از طرف مردم تحریم شد .

در انتخابات شورای شهر رودسرا ابتدا فرماندار و چند تن از مسئولین امور شهر مخفیانه و در اطاق بسته چند نفر از افراد مورد نظرشان را به عنوان هیئت نظار بر انتخابات شهر انتخاب می کنند .

به دنبال آن مردم رودسر به عنوان اعتراض همان شب پس از کسب اطلاع از منزل خارج شده و هیئت نظار انتصابی فرماندار بقیه در صفحه ۲

در ساعت ۶ بعد از ظهر پنجشنبه ۱۹ مهر ماه در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه های رشت به همراه تعدادی از دانشجویان برای شرکت کاندیدای مورد تاییدشان آقای مهندس رضا رضانی در انتخابات شورای شهر که به علت کم داشتن ۴ روز از سنش نمی توانست کاندیدا بشود روبروی فرمانداری تجمع نموده و متحصن می شوند و خواستار کاندیدا شدن او و دادن تفرقه اخذ رای در روز جمعه می گردند . این مسئله از چند روز پیش از انتخابات هم مورد بررسی و گفتگو و تحقیق قرار گرفته شده بود و تا این مدت که روز اول انتخابات بود از طرف مقامات مربوطه جواب روشن داده نشده بود . بنا به گفته هیئت نظارت کننده چون نمی توانستند مقررات را زیر پا بگذارند و همچنین نمی توانستند خواست مردم را نیز در نظر بگیرند تصمیم روشن در این مورد گرفته نشده بود .

تجمع کنندگان گاه گاهی شعارهای تنیدی از روی احساسات می دادند . که چند بار آقای رضانی کاندیدای مورد نظر ، تجمع کنندگان را دعوت به آرامش نمود تا نتیجه کار در تماس هیئت نظارت با تهران زودتر معلوم شود .

خلاصه بعد از شور و مشورت بسیار تصمیم گرفته شد که آقای مهندس رضانی به عنوان کاندیدای مورد تایید هیئت نظارت واقع شود و آقای خزائی مدیر رادیو تلویزیون

نشانه‌های المپیک شوروی را چه کسانی میسازند؟

خرس قطبی از اردوگاههای کار برای خود چهره می آفریند

روزنامه " آیدن لیک " (ترکیه) در یکی از شماره های اخیر خود گزارش میدهد : در بازیهای جام جهانی اسمال که در روسیه برگزار خواهد شد ، گلیه مدالها و نشانها و هدایایی که به ورزشکاران شرکت کننده در المپیک داده می شود یا به تماشاچیان فروخته می شود ، بدست زندانیان سیاسی روسیه که با مرگ دست و پنجه نرم می کنند ساخته شده است .

گفته می شود سوسیال فاشیست های شوروی برای بالا بردن بازدهی کار زندانیان این اردوگاه های کار اجباری ، زندانیان سیاسی را تحت فشار گذارده ، حتی غذا و سایر احتیاجات آنان را قطع میکنند . سوسیال امپریالیستهای شوروی انتظار دارند از طریق فروش مدالها و نشان های یادگاری ساخته شده توسط زندانیان سیاسی روسیه ، ارز زیادی را در جریان بازیها به شوروی وارد کنند .

(نقل از روزنامه " آیدن لیک " اول اکتبر ۱۹۷۹)